

ارکان حقوقی آزادی مطبوعات

اصل انتشار آزادانه مطبوعات و استثناءها و محدودیت‌های آن

دکتر کاظم معتمدنژاد؛ با همکاری دکتر رؤیا معتمدنژاد

مطبوعات» - به‌شمار می‌رود و در آن با توجه به مقررات مربوط به محتوای مطبوعات، طی سه مبحث به ترتیب «اصل انتشار آزادانه مطبوعات»، «استثناءهای آزادی مطبوعات» و «محدودیت‌های آزادی مطبوعات» تشریح شده‌اند.

در مبحث اول در مورد «اصل انتشار آزادانه مطبوعات»، مفاهیم و عناصر آزادی مطبوعات، تحول مبانی حقوقی این آزادی و نظام‌های حقوقی آن - شامل نظام پیشگیری و نظام تنبیهی - بررسی گردیده‌اند.

در مبحث دوم راجع به «استثناءهای آزادی مطبوعات»، به ترتیب استثناءهای مربوط به شرایط

سابق، منابع و مأخذ علمی مطالعات تاریخی، سیاسی و اجتماعی این آزادی‌ها و به ویژه جنبه‌های حقوقی آنها، در ایران بسیار محدود مانده است، بررسی حاضر در مورد «ارکان حقوقی آزادی مطبوعات» می‌تواند به جبران کمبود منابع و روشن‌تر شدن مباحثه‌های جاری در این زمینه کمک کند.

این مقاله، بخشی از یک مطالعه گسترده راجع به «حقوق مطبوعات» در چارچوب «بررسی تطبیقی قوانین و مقررات حقوقی تأسیس و انتشار مطبوعات در ایران و چند کشور دیگر جهان» - شامل «مقررات تأسیس و اداره مطبوعات» و «مقررات محتوای

اشاره

به موازات تحولات اخیر کشور در جهت تقویت توسعه سیاسی و پیشبرد جامعه مدنی، اهمیت بهبود فضای عمومی مطلوب آزادی مطبوعات، افزایش یافته است و به همین لحاظ نه تنها در محافل فکری و سیاسی و مراکز دانشگاهی و مطبوعاتی، بلکه در سطح عمومی جامعه نیز توجه به مباحثه‌ها و گفت‌وگوهای مربوط به ماهیت و کیفیت این آزادی و زمینه‌ها و محدودیت‌های آن، گسترش پیدا کرده است.

در این میان، با در نظر گرفتن آن که تحت تأثیر شرایط اختناق و سرکوب آزادی عقیده و آزادی بیان در دوره رژیم

غیرعادی (زمان جنگ، حکومت نظامی و حالت فوق‌العاده) و استثناءهای مربوط به برخی نشریات خاص (مطبوعات ویژه کودکان و نوجوانان، نشریات خارجی و نشریات حاوی آگهی‌های قضایی و قانونی)، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

مبحث سوم درباره «محدودیت‌های آزادی مطبوعات»، به بررسی تجربه‌های تاریخی نخستین قانون‌گذاری‌های کشورهای بزرگ غربی در انگلستان، ایالات متحده آمریکا و فرانسه، در مورد آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن و نیز بررسی مبانی و محدودیت‌های آزادی مطبوعات در قوانین اساسی و مطبوعاتی ایران در دوره‌های بعد از انقلاب مشروطیت و پس از انقلاب اسلامی، اختصاص یافته است.

۱. اصل انتشار آزادانه مطبوعات

اصل آزادی مطبوعات، بیش از دو قرن پس از اختراع چاپ و حدود یک قرن بعد از انتشار نخستین نشریات دوره‌ای چاپی، به دنبال مبارزات ضد استبدادی بوژوازی دگرگونی خواه اروپا و آمریکا و ایجاد و توسعه نظام دموکراسی آزادی‌گرا، ابتدا با لغو قانون مربوط به ضرورت اجازه چاپ و سانسور پیش از انتشار کتاب و مطبوعات^۱ در انگلستان (۱۶۹۵ میلادی) و سپس با فاصله حدود یک قرن، به‌طور وسیع‌تر و کامل‌تر در فرانسه و ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخته شد و در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم، به تدریج در اکثر کشورهای دنیا پذیرفته گردید. تا آن جا که پس از گسترش اندیشه سوسیالیسم و ایجاد نخستین دولت‌های سوسیالیستی، با آن که برداشت و استنباط نظام آزادی‌گرای سرمایه‌داری و نظام سوسیالیستی درباره آزادی‌ها متفاوت است، در قوانین اساسی کشورهای دارای نظام اخیر نیز موضوع آزادی مطبوعات مانند سایر مظاهر آزادی عقیده و بیان، پیش‌بینی شد.

باید یادآوری کرد که در بسیاری از قوانین اساسی کشورهای دنیا، تنها به اعلام کردن و به رسمیت شناختن آزادی

مطبوعات اکتفا نگردیده است، بلکه برای جلوگیری از هرگونه تهدید و تجاوز علیه این آزادی، ضرورت تأمین و تضمین آن هم مورد تصریح قرار گرفته است.

الف. مفاهیم و عناصر آزادی مطبوعات

در مورد آزادی مطبوعات، مفهوم‌ها و تعریف‌های فراوان و گوناگونی وجود دارند. برای آزادی مطبوعات از لحاظ حقوقی، معمولاً در تعریف عام و خاص در نظر گرفته می‌شوند.

آزادی مطبوعات به معنای عام

آزادی مطبوعات به معنای عام، جست‌وجو، جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آنها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های یادشده را در برمی‌گیرد.

به این ترتیب، آزادی فعالیت خبرنگاران و سایر روزنامه‌نگاران، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و مجله‌های گوناگون از طرف افراد و مؤسسات و گروه‌های سیاسی و غیرسیاسی و پخش آزادانه و بی‌طرفانه و واقع‌بینانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و انعکاس آزاد افکار و عقاید عمومی در مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی از شرایط اساسی آزادی مطبوعات محسوب می‌شوند. آزادی مطبوعات در این معنای وسیع، اکنون به عنوان «آزادی اطلاعات» یا «آزادی ارتباطات» معرفی می‌گردد.

در عصر حاضر، دیگر تنها توجه به آزادی‌ها، پاسخگوی نیازهای اجتماعی انسان نیست و ایجاد امکانات لازم برای بهره‌برداری از آزادی‌ها به عنوان حقوق مسلم بشری نیز ضروری شده است. به همین سبب، به جای آزادی مطبوعات یا آزادی اطلاعات به‌طور عام، در اعلامیه‌ها

و پیمان‌ها و عهدنامه‌های حقوقی بین‌المللی و قوانین اساسی جدید، از «حق استفاده از اطلاعات»، یا به‌طور وسیع‌تر از «حق ارتباط» و الزام دولت‌ها به تأمین این‌گونه حقوق، سخن گفته می‌شود. بنابراین اگر دولت‌ها نتوانند همه شرایط لازم برای برخورداری افراد از «حق ارتباط» و از جمله، تأمین اطلاعات صحیح و مشارکت آنان در آفرینش‌های فرهنگی - مانند کتاب‌ها، روزنامه‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی - را فراهم سازند، باید حداقل از هرگونه محدودیتی که ممکن است در راه تأمین آزادی مطبوعات به معنای خاص ایجاد شود، خودداری کنند.

■ بسیاری از قوانین اساسی

کشورهای دنیا، تنها به

اعلام کردن و به رسمیت

شناختن آزادی مطبوعات

اکتفا نکرده‌اند، بلکه برای

جلوگیری از هرگونه تهدید و

تجاوز علیه این آزادی،

ضرورت تأمین و تضمین آن

را هم مورد تصریح قرار

داده‌اند.

آزادی مطبوعات به معنای خاص

آزادی مطبوعات به معنای خاص نشر آزاد روزنامه‌ها و سایر نشریات دوره‌ای بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط مسؤولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنها در دادگاه‌های عادی دادگستری با حضور هیأت منصفه را شامل می‌شود که با رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات از جهت سیاسی و مسلکی و حفظ استقلال آنها در برابر صاحبان ثروت و قدرت، تحکیم می‌گردد.

ب. تحول مبانی حقوقی آزادی مطبوعات

در سیر تاریخی آزادی مطبوعات، «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» انقلاب کبیر فرانسه (مصوب ۱۷۸۹) که در ماده ۱۱ آن، انتقال و انتشار آزادانه افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق انسانی معرفی گردیده و آزادی گفتار و نگارش و چاپ برای هر فرد، به رسمیت شناخته شده است و نخستین اصلحیه قانون اساسی ایالات متحده (مصوب ۱۷۹۱)، که کنگره این کشور را از وضع هر قانون محدودکننده آزادی بیان یا مطبوعات ممنوع کرده است، اهمیت خاص دارند. البته نباید فراموش کرد که در فرانسه پس از

■ آزادی مطبوعات در معنای وسیع خود، اکنون به عنوان «آزادی اطلاعات» یا «آزادی ارتباطات» معرفی می‌گردد.

پیروزی انقلاب یادشده، به سبب عدم پیشرفت سریع اندیشه‌های انقلابی و روی کار آمدن دیکتاتوری نظامی و احیای شیوه‌های استبداد سلطنتی، تحقق آزادی مطبوعات تا حدود یک قرن بعد به تعویق افتاد و سرانجام پس از مبارزات پیگیر و گسترده آزادی‌خواهان و به ویژه روزنامه‌نگاران، قانون مطبوعات سال ۱۸۸۱ که به «منتشر آزادی مطبوعات» موسوم است و اکنون هم در فرانسه اجرا می‌شود، این هدف را تأمین کرد.

به موجب ماده اول قانون مطبوعات مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه «طبع و نشر آزاد است». این قانون هرگونه محدودیت برای تأسیس و انتشار

روزنامه‌ها و مجله‌ها و از جمله، لزوم کسب امتیاز و اجازه قبلی از دولت را ممنوع ساخته است. به همین لحاظ در ماده ۵ قانون مذکور گفته شده است که «هر روزنامه یا نشریه دوره‌ای را می‌توان بدون اجازه قبلی و بدون سپردن وجه‌الضمان، پس از دادن اعلام‌نامه موردنظر در ماده ۷، منتشر ساخت». مطابق ماده اخیر، «پیش از انتشار هر روزنامه یا نشریه دوره‌ای، باید اعلام‌نامه‌ای حاوی نام روزنامه یا نشریه و طرز انتشار آن و نیز نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه در آن چاپ خواهد شد، به دادسرا تسلیم شود.»

قدیمی‌ترین قانون اساسی موجود جهان که آزادی مطبوعات را تضمین کرده، قانون اساسی دولت فدرال سوئیس (مصوب ۱۹ آوریل ۱۸۷۴) است. در قوانین اساسی کشورهای دیگر - از جمله، قانون اساسی فنلاند (مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۹)، قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان (مصوب ۲۳ مه ۱۹۴۹)، قانون اساسی قبلی الجزایر (مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۷۶)، قانون اساسی یوگسلاوی سابق (مصوب ۲۱ فوریه ۱۹۷۴)، قانون اساسی جدید مکزیک (مصوب ۵ فوریه ۱۹۷۷)، قانون اساسی پرتغال (مصوب ۲ آوریل ۱۹۷۶) و قانون اساسی اسپانیا (مصوب ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸) - نیز آزادی مطبوعات تضمین شده است.

در ایران هم به دنبال مبارزات طولانی آزادی‌خواهان علیه سلطنت استبدادی قاجار، سرانجام با انقلاب مشروطیت، اصل آزادی مطبوعات به رسمیت شناخته شد. در این زمینه ابتدا در اصل سیزدهم قانون اساسی به روزنامه‌ها اجازه چاپ مطالب مفیده عام‌المنفعه و از جمله مذاکرات مجلس شورای ملی جهت آگاهی عمومی و صلاح‌اندیشی خلق درباره مسایل مملکتی داده شد و سپس به موجب اصل بیستم متمم قانون اساسی، اصل آزادی‌عامه مطبوعات مورد شناسایی قرار گرفت. به دنبال آن، مجلس شورای ملی دوره اول، در پنجم محرم

۱۳۲۶ ه. ق نخستین قانون مطبوعات ایران را، به رغم مخالفت پرسروصدای برخی از روزنامه‌های تندرو انقلابی، با اقتباس از قانون مطبوعات ۱۸۸۱ فرانسه، تصویب کرد. در این قانون، آزادی عامه مطبوعات بار دیگر مورد تأکید واقع شد و طبق شیوه معمول در دموکراسی‌های آزادی‌گرا، به جای کسب امتیاز، به تسلیم اعلام‌نامه برای انتشار روزنامه و مجله اکتفا گردید. هرچند که در عمل، مجموعه مقررات این قانون اجرا نشد و به بهانه ملزم ساختن صاحبان و مدیران مطبوعات به اجرای قانون مذکور، ضرورت گرفتن امتیاز از میان رفت.

سپس برای اولین بار، به موجب قانون

■ در عصر حاضر، دیگر تنها توجه به آزادی‌ها، پاسخگوی نیازهای اجتماعی انسان نیست و ایجاد امکانات لازم برای بهره‌برداری از آزادی‌ها به عنوان حقوق مسلم بشری نیز ضروری شده است.

«اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات» مصوب ۳ دی‌ماه ۱۳۲۱ ه. ش، که در دوره نخست‌وزیری احمد قوام (قوام‌السلطنه) به تصویب رسید، انتشار روزنامه‌ها در قوانین مطبوعاتی ایران به ضرورت دریافت امتیاز مقید شد و در قوانین مطبوعات بعدی پیش از انقلاب اسلامی، شامل لایحه قانونی مطبوعات مصوب بهمن‌ماه ۱۳۳۱ (دوره حکومت دکتر محمد مصدق) و لایحه قانونی مطبوعات مصوب مردادماه ۱۳۳۴ و همچنین در قوانین مطبوعات پس از انقلاب - لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب اسلامی (مردادماه ۱۳۵۸) و قانون مطبوعات مصوب اسفندماه

۱۳۶۴- نیز این ضرورت ادامه یافت.

لازم به یادآوری است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز براساس اصل‌های ۲۴ و ۱۶۸ آن، براصل انتشار آزادانه مطبوعات و لزوم رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در دادگاه‌های دادگستری به‌طور علنی و با حضور هیأت منصفه تأکید شده است و به این ترتیب، دو رکن اصلی آزادی مطبوعات شامل آزادی انتشار و حمایت قانونی این آزادی، مورد حراست قرار گرفته است.

پ - نظام‌های حقوقی مطبوعات

از بررسی سیر تاریخی تحول و توسعه آزادی مطبوعات در سه قرن اخیر، می‌توان

■ آزادی مطبوعات به معنای

عام، جست‌وجو، جمع‌آوری

و کسب آزادانه اخبار و

اطلاعات و عقاید عمومی،

انتقال و مخابره آزادانه آنها،

انتشار آزادانه روزنامه‌ها و

پخش آزادانه برنامه‌های

رادیویی و تلویزیونی،

دریافت و مطالعه آزادانه

مطبوعات و دریافت آزادانه

برنامه‌های یادشده را در برمی‌گیرد.

نتیجه گرفت که اکنون در مورد تاسیس و اداره مطبوعات در کشورهای مختلف جهان با توجه به نظام‌های سیاسی آنها، دو روش متفاوت و متضاد وجود دارند:

۱. نظام پیشگیری

روش اول که بیشتر به کنترل فعالیت‌های مطبوعاتی گرایش دارد، «روش تأمینی، احتیاطی یا پیشگیری»^۲ است. در ممالکی که این روش متداول است ایجاد روزنامه‌ها و مجله‌ها به کسب اجازه قبلی و دریافت امتیاز موقوف می‌گردد. در بسیاری از این کشورها، دریافت ودیعه مالی از مؤسسان روزنامه‌ها و مجله‌ها نیز از جمله شرایط

تکمیلی اجازه قبلی انتشار مطبوعات به‌شمار می‌رود.

۲. نظام تنبیهی

در کشورهای دارای نظام آزادی‌گرا، برای انتشار مطبوعات، از «روش تعقیبی و تنبیهی»^۳ استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، در این ممالک، هیچ‌گونه محدودیتی جز در موارد استثنایی پیش‌بینی شده در قوانین، برای تأسیس و



برخی از اخبار - به ویژه در زمینه‌هایی که به استقلال و نظم و امنیت ملی، آسایش و سلامت جامعه، اخلاق حسنه و عفت عمومی و حیثیت و زندگی خصوصی افراد لطمه وارد شود - پیش‌بینی می‌کنند و پس از انتشار روزنامه‌ها، در صورتی که مطالبی مغایر قانون در آنها وجود داشته باشند و به عبارت دیگر هرگاه جرم مطبوعاتی وقوع یابد، از طریق دادگاه‌های عادی و اغلب با حضور هیأت منصفه، مورد تعقیب و رسیدگی قرار می‌گیرند و متخلفان، تنبیه و مجازات می‌شوند.

بدین‌گونه انتشار آزادانه مطبوعات بدون کسب اجازه یا امتیاز، سانسور نکردن

■ اگر دولت‌ها نتوانند همه

شرایط لازم برای

برخورداری افراد از «حق

ارتباط» را فراهم سازند،

باید حداقل از هرگونه

محدودیتی که ممکن است در

راه تأمین آزادی مطبوعات

به معنای خاص ایجاد شود،

خودداری کنند.

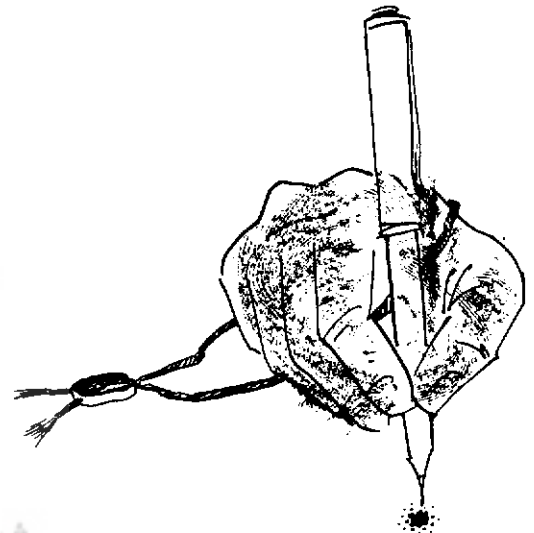
روزنامه‌ها و مجله‌ها، عدم توقیف و تعطیل خودکامه نشریات و پیش‌بینی معیارهای قانونی مسؤولیت‌های آنها از ارکان اصلی آزادی مطبوعات‌اند و در بسیاری از کشورها که ضرورت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در حضور هیأت منصفه نیز در قوانین اساسی یا قوانین عادی پیش‌بینی گردیده است، رعایت این امر نیز از ارکان آزادی مطبوعات شناخته می‌شود.

با توجه به آرمان‌ها و هدف‌های انقلاب اسلامی و شرایط مطلوب جامعه انقلابی کنونی ایران، سوابق قانونگذاری پس از انستقلاب مشروطیت در مورد مطبوعات و روش‌های کشورهای دیگر

اداره مطبوعات وجود ندارد و افراد و شرکت‌ها و جمعیت‌ها می‌توانند با آزادی کامل و یا تنها با تسلیم اعلام‌نامه یا تقاضای ثبت، روزنامه‌ها و مجله‌های موردنظر خود را منتشر کنند. قوانین مطبوعاتی این کشورها، در عین آزادگذاشتن انتشار روزنامه‌ها، با در نظر گرفتن مصالح و منافع واقعی مردم، محدودیت‌های مطبوعات را در چاپ

جهان در این زمینه، باید امیدوار بود که نه تنها ضرورت دریافت امتیاز یا اجازه قبلی از قانون مطبوعات برداشته شود، بلکه در آینده، به هنگام تجدیدنظر در قانون اساسی ایران، در این قانون هم مانند بسیاری از قوانین اساسی دیگر دنیا، ممنوعیت توسل به صدور امتیاز یا اجازه قبلی برای انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها تصریح گردد.

با تضمین آزادی مطبوعات و پیش‌بینی ممنوعیت توسل به امتیاز یا اجازه قبلی در متن قانون اساسی، قوه مقننه موظف خواهد بود از وضع هرگونه مقررات محدودکننده در این زمینه خودداری کند. براین مبنا، قانون جدید



مطبوعات، باید مانند قانون مطبوعات پنجم محرم ۱۳۲۶ ه. ق و قوانین مطبوعاتی کنونی فرانسه و ایتالیا و آلمان فدرال، اعلام‌نامه مدیران روزنامه‌ها را برای انتشار آنها کافی بداند و یا مانند روش معمول در انگلستان، هند، پاکستان، استرالیا و زلاند جدید، برای حفظ حق تقدم نشریات سابق و جلوگیری از انتشار مطبوعات با اسامی مشابه، ثبت‌نام روزنامه‌های جدید را در دفتری مخصوص، ضروری بشناسد.

به دنبال بررسی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات و اهمیت و ضرورت اصل انتشار آزادانه روزنامه‌ها و سایر نشریه‌های دوره‌ای، در مباحث بعد ابتدا توضیحاتی

پیرامون «استثنای آزادی مطبوعات» ارائه می‌شوند و سپس کلیاتی درباره چگونگی پیش‌بینی «محدودیت‌های آزادی مطبوعات» در نظام‌های حقوقی کشورهای بزرگ غربی و ایران عرضه می‌گردند.

۲. استثنای آزادی مطبوعات

در کشورهای دارای نظام حقوقی تنبیهی، که براساس اصل انتشار آزادانه مطبوعات، محدودیت‌های پیش از انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها، مانند کسب اجازه قبلی تأسیس و اداره نشریات، پرداخت ودیعه مالی و سانسور مطالب پیش از چاپ و انتشار آنها، از میان رفته‌اند و با توجه به ضوابط قانونی تعیین محدودیت‌های آزادی مطبوعات، تخلف‌ها و جرم‌های احتمالی ناشی از مندرجات نشریات، تنها بعد از انتشار آنها مورد تعقیب قرار می‌گیرند، علاوه بر محدودیت‌های این آزادی که در قوانین عادی یا قوانین اختصاصی مطبوعاتی پیش‌بینی می‌شوند، برخی موارد خاص موسوم به «استثنای آزادی مطبوعات»^۲ هم در نظر گرفته شده‌اند.

این استثنایها که در برابر اصل کلی آزادی مطبوعات قرار می‌گیرند، برای بعضی شرایط و اوضاع و احوال غیرمترقبه و غیرعادی، که ممکن است در یک کشور پدید آیند و یا موارد ویژه‌ای از نشریات دوره‌ای، که مخاطبان خاص و پرحساسیتی دارند و یا با زبانی متفاوت از زبان ملی و معمولی کشور و به وسیله یا همکاری افراد خارجی منتشر می‌گردند، پیش‌بینی می‌شوند.

الف - استثنایهای مربوط به شرایط غیرعادی

در مواردی که به سبب ایجاد شرایط و اوضاع و احوال غیرمترقبه و غیرعادی، مانند وقوع جنگ، اعلان حکومت نظامی و حالت فوق‌العاده، اجرای مقررات کلی

آزادی مطبوعات، به ضرورت‌ها و مقتضیات حفظ استقلال و تمامیت کشور و یا امنیت ملی و نظم عمومی آن، لطمه می‌زند، به موجب مقررات خاص، به دولت اجازه داده می‌شود که به‌طور استثنایی و بدون رعایت اصول نظام تنبیهی مطبوعات، محدودیت‌هایی در مرحله پیش از انتشار روزنامه‌ها، مانند الزام به کسب اجازه قبلی و ضرورت بازبینی و ممیزی مطالب نشریات، برقرار سازد.

۱. زمان جنگ

در اغلب کشورها، در «زمان جنگ»^۵، تحقق اصل انتشار آزادانه مطبوعات، متوقف می‌شود و دولت‌ها می‌توانند بر مبنای قوانین مصوب پارلمان و یا تصویب نامه‌های هیأت وزیران به سانسور مطالب روزنامه‌ها و مجله‌ها و یا توقیف و تعطیل انتشار آنها و نیز منوط کردن تأسیس و اداره نشریات جدید به دریافت اجازه‌نامه، اقدام کنند.

به عنوان مثال، در فرانسه در سال‌های جنگ جهانی اول به موجب «قانون مصوب ۵ اوت ۱۹۱۴، راجع به مقابله با اطلاع‌پراکنی‌های مطبوعات در زمان جنگ»، دولت به سانسور مطالب نشریات دست می‌زد و به این منظور، روزنامه‌ها و مجله‌ها را وادار می‌کرد که نمونه‌های حروفچینی شده مطالب چاپی خود را پیش از انتشار آنها، برای نظارت و کنترل بر اخبار نظامی و دیپلماتیک، در اختیار مأموران سانسور قرار دهند.

در دوره جنگ جهانی دوم هم بر مبنای «قانون مصوب ۱۱ ژوئیه ۱۹۳۸ درباره سازماندهی ملت فرانسه در زمان جنگ» و تصویب نامه مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۹ در مورد ایجاد یک «کمیسه‌ریای اطلاعات»^۶ و همچنین تصویب نامه مورخ ۲۰ اوت ۱۹۳۹، به وزیر کشور فرانسه، اختیار سانسور و توقیف و تعطیل انتشار هر نوع روزنامه و نشریه دوره‌ای، واگذار شده بود.^(۱)

در ایالات متحده آمریکا هم در جنگ‌های مختلف پس از استقلال این کشور و از جمله جنگ داخلی سال‌های ۱۸۶۱-۶۵، جنگ آمریکا و اسپانیا بر سر کوبا در سال ۱۸۹۸، و همچنین جنگ‌های جهانی اول و دوم، جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، جنگ ویتنام (۱۹۶۴-۷۴) و جنگ اخیر خلیج فارس (۱۹۹۰-۹۱)، به رغم نظام مطبوعاتی آزادی‌گرای آن، محدودیت‌ها و ممیزی‌های گوناگونی در مورد فعالیت روزنامه‌ها و مجله‌ها، برقرار شده بودند.

در آوریل ۱۹۱۷، به هنگام ورود ایالات متحده آمریکا در جنگ جهانی اول، بلافاصله سانسور دولتی علیه

■ در قانون مطبوعات مصوب اولین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۲۶ ه. ق) آزادی عامه مطبوعات مورد تأکید واقع شده بود و طبق شیوه معمول در دموکراسی‌های آزادی‌گرا، به جای کسب امتیاز، به تسلیم اعلام‌نامه برای انتشار روزنامه و مجله، اکتفا گردیده بود.

مطبوعات و خبرگزاری‌ها ایجاد گردید و در طول مدت ۱۹ ماه تا پایان عملیات جنگی در نوامبر ۱۹۱۸، سازمان ویژه‌ای موسوم به «کمیته اطلاعات عمومی»^۶ متشکل از نمایندگان رئیس‌جمهوری، وزارت جنگ و وزارت دریانوردی، امور نظارت و ممیزی و تبلیغات جنگ را اداره می‌کرد. به موازات آن، با تصویب «قانون جاسوسی»^۷ در سال ۱۹۱۷ و «قانون شورش»^۸ در سال ۱۹۱۸، از سوی کنگره آمریکا، محدودیت‌های خبری و مطبوعاتی اعمال شده به وسیله کمیته مذکور، افزایش یافتند.

در جریان جنگ جهانی دوم هم از دسامبر ۱۹۴۰، یعنی یک‌سال پیش از

ورود ایالات متحده آمریکا به عملیات جنگی علیه ژاپن، به فرمان فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهوری آن کشور، محدودیت‌های ویژه‌خبری و انتشاراتی برای مطبوعات و خبرگزاری‌ها و رادیوها، پدید آمدند. به دنبال آن، در ۱۸ دسامبر ۱۹۴۱، چسند روز پس از حمله غافل‌گیرکننده نیروهای هوایی ژاپن علیه ناوگان جنگی آمریکا در جزایر هاوایی، با تصویب «قانون مربوط به اقتدارات جنگی»^۹ در واشنگتن یک «دفتر سانسور»^{۱۰} تأسیس شد. این دفتر در حدود چهار هفته بعد در ۱۵ ژانویه ۱۹۴۲، «مجموعه مقرراتی درباره عملکردهای [خبری و انتشاراتی] زمان جنگ»^{۱۱}، تدوین کرد، که حاوی دستورالعمل‌های سانسور بود و تا پایان جنگ جهانی دوم، دقیقاً به مورد اجرا گذاشته می‌شد. ایجاد «دفتر اطلاعات جنگی»^{۱۲} که در ژوئن ۱۹۴۲ صورت گرفت و به عنوان سازمان تبلیغات زمان جنگ به فعالیت پرداخت، نیز در کنار «دفتر سانسور» به هماهنگی خط مشی‌های نظارت‌کننده و محدود سازنده اخبار و اطلاعات و سایل ارتباط جمعی در آخرین سال‌های جنگ جهانی دوم، کمک نمود.

آخرین مقررات دولت آمریکا در مورد محدودیت‌های کسب و انتقال و انتشار اخبار و اطلاعات در زمان جنگ، - صرف‌نظر از مقررات محدودکننده مربوط به جنگ‌های کره و ویتنام و عملیات نظامی در گرانادا (اکتبر ۱۹۸۳) و اشغال پاناما (دسامبر ۱۹۸۹)- در جریان جنگ اخیر خلیج فارس و به دنبال حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، وضع شدند. این مقررات، که آخرین متن اصلاح شده آن در ۷ ژانویه ۱۹۹۱ به وسیله وزارت دفاع ایالات متحده، با عنوان «مقررات اصلی و رهنمودهای مکمل مربوط به عملیات دفاعی صحرا»^{۱۳} انتشار یافت، شامل ۱۲ دستورالعمل کلی و چند رهنمود تکمیل‌کننده بودند.^(۱)

لازم به یادآوری است که دولت‌های

انگلستان و فرانسه هم که نیروهای نظامی آنها در کنار ارتش آمریکا در عملیات جنگی خلیج فارس علیه عراق شرکت داشتند، مانند دولت ایالات متحده، مقررات خاصی برای اخبار و اطلاعات مربوط به این جنگ، به اجرا گذاشتند.

در ایران ظاهراً، در دوره‌های بعد از تصویب نخستین قانون مطبوعات ایران، که اصل انتشار آزادانه روزنامه‌ها را پیش‌بینی کرده بود، چه در جریان جنگ جهانی اول و چه در طول جنگ جهانی دوم، هیچ‌گاه مقررات خاص محدودکننده آزادی مطبوعات در زمان جنگ، به تصویب نرسیده بودند. شاید بتوان گفت که به سبب فشارها و محدودیت‌هایی که

■ برای اولین بار در ایران، به موجب قانون «اصلاح قسمتی از قانون مطبوعات» مصوب ۳ دی‌ماه ۱۳۲۱ ه. ش، که در دوره نخست‌وزیری احمد قوام (قوام‌السلطنه) به تصویب رسید، انتشار روزنامه‌ها در قوانین مطبوعاتی ایران به ضرورت دریافت امتیاز مقید شد.

در تمام دهه‌های طولانی پس از قانون مذکور تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، عملاً به وسیله دولت‌ها علیه مطبوعات اعمال می‌شدند، نیازی به وضع چنین قوانینی احساس نمی‌گردید. علاوه بر آن، در زمان جنگ عراق علیه ایران هم، چنین مقرراتی پدید نیامدند و تنها «سناد تبلیغات جنگ»، بر هماهنگی اخبار و گزارش‌های نظامی، نظارت می‌کرد.

۲. حکومت نظامی

در مواقع اعلان «حکومت نظامی»، که در شرایط غیرعادی بحران‌های سیاسی کشورها، صورت می‌گیرد نیز مانند زمان وقوع جنگ، دولت‌ها براساس قوانین و

تصویب نامه‌های خاص، می‌توانند به اعمال محدودیت‌های مختلف در مورد مطبوعات دست بزنند.

در فرانسه به موجب قوانین مصوب ۹ اوت ۱۸۴۹ و ۳ آوریل ۱۸۷۸، تأکید شده است که: «... حکومت نظامی، فقط می‌تواند در صورت خطر قریب‌الوقوع یک جنگ خارجی و یا یک شورش مسلحانه، اعلان شود... بلافاصله پس از اعلان حکومت نظامی، قدرت‌های اقتدار کشوری برای حفظ نظم و نگرهبانی، تماماً به اقتدار نظامی، واگذار می‌گردند... در چنین اوضاع و احوالی، اقتدار نظامی حق دارد نشریاتی را که معتقد است طبیعتاً می‌توانند بی‌نظمی ایجاد کنند و یا باعث تسهیل آن شوند، ممنوع کند...»^(۳)

در ایران هم به موجب اولین قانون حکومت نظامی که در دوره پس از انقلاب مشروطیت، در تاریخ ۲۲ رجب سال ۱۳۲۹ ه. ق، از تصویب مجلس شورای ملی گذشته بود، چگونگی مداخله وزارت جنگ در زمان حکومت نظامی در امور مربوط به امنیت و آسایش عمومی و توقیف مطبوعات و تعقیب مجازات متصدیان یا مدیران آنها، پیش‌بینی شده بود.

ماده اول این قانون، چنین مقرر کرده بود:

«از وقتی که اعلان حکومت نظامی شود، اموری که راجع به امنیت و آسایش عمومی است، با تصویب هیأت وزراء، به توسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد.»

در ماده ۸ قانون یادشده، در مورد توقیف روزنامه‌ها و تعقیب و مجازات اداره‌کنندگان آنها، مقررات زیر پیش‌بینی گردیده بودند:

«روزنامه‌جات و مطبوعات اگر برضد اقدامات دولت، انتشاراتی به طبع رسانند، نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد. در صورتی که تحریک به ضدیت دولت شده باشد، متصدیان یا مدیران آنها، موافق حکم محکمه نظامی، مجازات خواهند شد.»^(۴)

چند سال بعد از تصویب قانون اخیر، در پی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه. ش به وسیله رضاخان، در تهران حکومت نظامی اعلان شد و طبق ماده ۴ اعلامیه منتشر شده از سوی وی با عنوان «حکم می‌کنم»، انتشار تمام مطبوعات و نشریات چاپی دیگر ممنوع گردیدند.

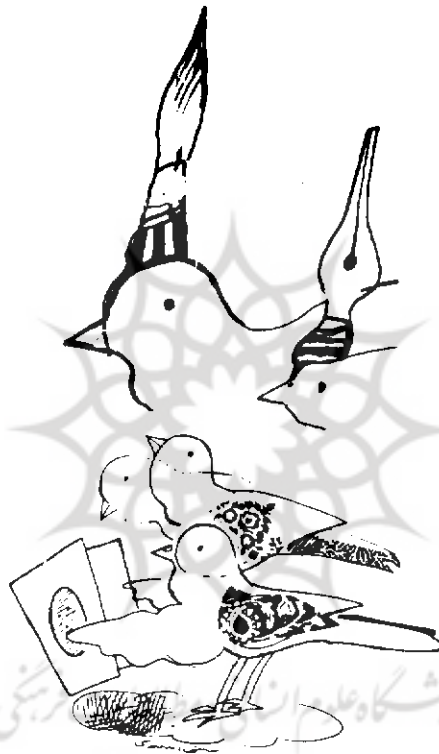
متن ماده ۴ اعلامیه مذکور، چنین بود: «تمام روزنامه‌جات و اوراق مطبوعه، تا موقع تشکیل دولت، به کلی موقوف و برحسب حکم و اجازه‌ای که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند.»

به موجب ماده ۷ اعلامیه، تمام ادارات دولتی غیر از اداره اوراق و از جمله، پستخانه، تلفنخانه و تلگرافخانه نیز تعطیل شدند. در ماده ۸ اعلامیه «حکم می‌کنم» هم تأکید گردیده بود، «کسانی که در اطاعت از موارد فوق، خودداری نمایند، به محکمه نظامی جلب و به سخت‌ترین مجازات‌ها خواهند رسید.»^(۵)

در قانون تشکیل و صلاحیت دادگاه نظامی موقت در زمان حکومت نظامی، مصوب ۱۳ خردادماه ۱۳۲۱ که چند ماه پس از سقوط رضاشاه به تصویب رسیده بود، اگر چه تصریحی درباره موارد اعمال فشارهای مطبوعاتی، توقیف و تعطیل روزنامه‌ها، وجود نداشت، اما براساس چند ماده آن، زمینه‌چینی برای ایجاد محدودیت‌ها و مجازات‌های شدید علیه مطبوعات، امکان‌پذیر بود.

ماده ۲۸ این قانون، موضوع تبلیغ برای جرائم پیش‌بینی شده در قانون حکومت نظامی مصوب ۲۲ رجب ۱۳۲۹ ه. ق و همچنین تبلیغ برای تشکیل و اداره و عضویت دسته‌ها یا جمعیت‌های دارای مرام اشتراکی و مخالف سلطنت مشروطه و یا تبلیغ درباره اقدام برای تجزیه ایران و یا لطمه به تمامیت و استقلال را مطرح کرده و برای آنها، مجازات‌های شدید پیش‌بینی نموده بود. در ماده‌های ۳۷، ۳۸ و ۳۹ قانون یاد شده هم، موارد تحریک افراد نظامی به عصیان، تحریک به ارتکاب جنحه یا جنایت برضد امنیت داخلی یا خارجی، به وسیله نطق یا اوراق

■ در کشورهای دارای نظام آزادی‌گرا، برای انتشار مطبوعات، از «روش تعقیبی و تنبیهی» استفاده می‌شود.



■ در ایران، به دنبال مبارزات طولانی آزادی‌خواهان علیه سلطنت استبدادی قاجار، سرانجام با انقلاب مشروطیت، اصل آزادی مطبوعات به رسمیت شناخته شد.

چاپی یا خطی و توهین به مقام سلطنت، رئیس مملکت یا نماینده سیاسی مملکت خارجی به هر نحو و مجازات‌های خاص آنها، مورد تأکید قرار گرفته بودند.^(۶)

آخرین مورد مداخله حکومت نظامی برای سانسور و ممیزی مطبوعات و جلوگیری از انتشار آزادانه آنها در ایران، در آبان ماه ۱۳۵۷، در دوره نخست‌وزیری ارتشبد غلامرضا ازهاری، به وقوع پیوست، که به تشدید مبارزات انقلابی روزنامه‌نگاران و اعتصاب طولانی آنان تا زمان فرار محمدرضا شاه در ۲۶ دی ماه آن سال، منتهی شد.

در دوره پس از انقلاب اسلامی، تحت تأثیر تجربه‌های تلخ حکومت نظامی در رژیم سابق، برقراری حکومت نظامی به موجب اصل ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ممنوع شده است. در این اصل، چنین مقرر گردیده است:

«برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید. ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.»

۳. حالت فوق‌العاده

مورد دیگری که مثل وقوع جنگ و اعلان حکومت نظامی، می‌تواند سبب توقف اجرای اصل کلی آزادی مطبوعات گردد، اعلان «حالت فوق‌العاده»^(۷) است. مطابق قانون مصوب ۳ آوریل ۱۹۵۵ فرانسه درباره «حالت فوق‌العاده» که برای مقابله با مبارزات مسلحانه استقلال‌طلبان الجزایری به تصویب رسیده بود، در این زمینه چنین پیش‌بینی شده است:

«... حالت فوق‌العاده می‌تواند در صورت خطر قریب‌الوقوع موجب لطمات شدید به نظم عمومی و یا در صورت وقوع رویدادهایی، که به سبب طبیعت و اهمیت آنها ویژگی یک

مصیبت عمومی را دارا هستند، اعلان شود... حالت فوق‌العاده، از طریق تصویب‌نامه شورای وزیران، اعلان می‌گردد و تمدید آن برای دوره‌ای فراتر از ۱۲ روز، فقط به وسیله قانون، امکان‌پذیر است... تصویب‌نامه حاوی اعلان حالت فوق‌العاده و یا قانون مربوط به تمدید آن، می‌تواند با ذکر مقرراتی صریح، به مقامات اداری اختیار دهد که برای تأمین کنترل مطبوعات و نشریات از هر نوع، اقدامات لازم را اتخاذ کنند.

اقدامات مربوط به ممنوعیت یا توقیف مطبوعات و نشریات، که در

■ در ماده ۵ قانون مطبوعات

فرانسه آمده است: «هر

روزنامه یا نشریه دوره‌ای

را می‌توان بدون اجازه قبلی

و بدون سپردن وجه‌الضمان،

پس از دادن اعلام‌نامه

موردنظر در ماده ۷، منتشر

ساخت.»

اجرای مقررات حالت فوق‌العاده اتخاذ شده‌اند، همزمان با پایان مدت حالت فوق‌العاده، بی‌اثر می‌شوند. بنابراین، نشریاتی که در اجرای اختیارات استثنایی ناشی از اعلان حالت فوق‌العاده، توقیف شده‌اند، به محض پایان مدت آن، فعالیت عادی خود را از سر می‌گیرند.

قانون مربوط به تمدید زمان حالت فوق‌العاده نیز ۱۵ روز تمام پس از استعفای دولتی که چنین قدرت فوق‌العاده‌ای به آن واگذار شده است و یا انحلال مجلس نمایندگان که چنین تمدیدی را تصویب کرده است، کان لم یکن می‌گردد...^(۷)

به این ترتیب، با توجه به مقررات حالت فوق‌العاده، مشخص می‌شود که زمان برقراری این حالت، در مقایسه با حکومت نظامی، بسیار کوتاه‌تر است. به عبارت دیگر، مدت حالت فوق‌العاده، از چند روز و حداکثر چند هفته تجاوز نمی‌کند، در صورتی که حکومت نظامی، معمولاً برای چندماه برقرار می‌گردد.

مورد دیگری که در فرانسه برای متوقف شدن اجرای اصل کلی آزادی مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی به آن استناد می‌شود، حالت خاص پیش‌بینی شده در ماده ۱۶ قانون اساسی کنونی این کشور (قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه) است. در این ماده، چنین آمده است:

«... موقعی که نهادهای جمهوری،

استقلال ملت، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدات بین‌المللی آن، به نحوی خطرناک و فوری، مورد تهدید واقع شده‌اند و کارکرد منظم قدرتهای عمومی مبتنی بر قانون اساسی، متوقف گردیده است، رئیس‌جمهوری، تصمیمات مورد لزوم و مقتضی اوضاع و احوال، اتخاذ می‌کند...» در این صورت، رئیس‌جمهوری با مداخله در زمینه قانون‌گذاری، مخصوصاً می‌تواند شرایط و احوالی را که در آنها اقدامات مربوط به ممنوعیت و یا توقیف اداری نشریات امکان‌پذیرند، وسعت دهد، بدون آن که تصمیم ویژه او در این زمینه، موجب هیچ‌گونه شکایت قضایی شود...^(۸)

ب. استثناءهای مربوط به برخی نشریات خاص

علاوه بر استثناءهای یادشده، که در شرایط و اوضاع و احوال زمانی غیرعادی، در برابر اصل انتشار آزادانه مطبوعات قرار می‌گیرند، استثناءهای دیگری نیز با توجه به محتوا یا ماهیت ویژه بعضی از روزنامه‌ها و ضرورت مقابله با آسیب‌رسانی آنها به مخاطبان خاص و یا مصالح و منافع عمومی جامعه، برای آزادی مطبوعات در نظر گرفته می‌شوند.

۱. مطبوعات ویژه کودکان و نوجوانان
در دوره پس از جنگ جهانی دوم، در بسیاری از کشورهای غربی، به سبب ضرورت چاره‌جویی برای شرایط اجتماعی و اقتصادی بحران‌آمیز ناشی از جنگ مذکور و حمایت کودکان در مقابل نابسامانی‌های آن زمان، به پیروی از مقررات محدودکننده‌ای که در اوایل قرن بیستم جهت مصون ساختن آنان در برابر جنبه‌های غیراخلاقی و خشونت‌آمیز فیلم‌های سینمایی وضع شده بودند، مقررات خاصی نیز برای مقابله با آثار مسمی محتویات نشریات کودکان و

■ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس اصل‌های ۲۴ و ۱۶۸، دو رکن اصلی آزادی مطبوعات شامل آزادی انتشار و حمایت قانونی این آزادی، مورد حراست قرار گرفته است.

نوجوانان به تصویب رسیدند. در میان کشورهای که در دهه‌های اخیر، قوانین و مقررات خاص برای نشریات مخصوص کودکان و نوجوانان تصویب کرده‌اند، به ویژه می‌توان از فرانسه، آلمان، انگلستان، سوئد و هند یاد نمود.

برای آشنایی با مقررات حقوقی معاصر درباره مطبوعات کودکان و نوجوانان، بررسی تجربه قانون‌گذاری فرانسه در این زمینه، به لحاظ نزدیکی مبانی حقوق جدید و مخصوصاً اولین قانون مطبوعات ایران با نظام حقوقی این کشور، آموزنده به نظر می‌رسد.

قانون کنونی فرانسه در مورد نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، که در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹ به تصویب رسیده‌است، و چند بار در آن تجدیدنظر شده‌است، علاوه بر مقررات خاص مربوط به این گونه نشریات، مقررات محدودکننده‌ای نیز درباره تمام نشریات پیش‌بینی کرده‌است. در ماده یک این قانون، نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، چنین تعریف شده‌اند: «نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، نشریاتی دوره‌ای یا غیر دوره‌ای‌اند، که از خصوصیت، طرز ارائه و یا موضوع آنها مشخص می‌شود که مخاطبان‌شان، اساساً کودکان و نوجوانان هستند.»

بر مبنای این تعریف، کتاب‌های مخصوص کودکان و نوجوانان، که نشریات غیر دوره‌ای به شمار می‌روند، نیز مشمول مقررات قانون یادشده، قرار می‌گیرند.

قانون مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹ فرانسه، در مورد تأسیس و اداره نشریات ویژه کودکان و نوجوانان و نیز محتوای این نشریات، مقررات حقوقی خاصی وضع کرده‌است، که برخی از آنها، مکمل مقررات قانون مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ این کشور در زمینه آزادی مطبوعات هستند و بعضی دیگر، استثناءهایی برای این قانون و اصل انتشار آزادانه مطبوعات در بردارند.

۱- مقررات تأسیس و اداره نشریات ویژه کودکان و نوجوانان - به موجب ماده ۵ قانون مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹، برای تأسیس نشریات مخصوص کودکان و نوجوانان، علاوه بر اعلام نامه‌ای که طبق قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱، هر نشریه‌ای موظف است به هنگام تأسیس، به دادسرای عمومی تحویل دهد، باید اعلام‌نامه دیگری نیز برای وزیر دادگستری ارسال گردد. در این اعلام‌نامه، ذکر عنوان نشریه، نام و نشانی مدیر، اعضای کمیته مدیریت ۱۶ سایر تشکیلات و همچنین نام خاص و نشانی شرکت یا انجمن ناشر نشریه، ضروری است. عدم انجام این

وظیفه و یا ارسال اعلام‌نامه نادرست، باعث پرداخت جریمه و حبس از ۱۵ روز تا ۳ ماه می‌شود.

همچنین بر طبق ماده ۶ قانون مذکور، نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، موظفند غیر از نسخه‌هایی که تمام مطبوعات باید براساس قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ و قوانین مکمل آن، به مقامات و مراجع گوناگون تحویل دهند، پنج نسخه دیگر از نسخه‌های منتشر شده خود را به وزارت دادگستری ارسال کنند.

مطابق ماده ۴ قانون مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹، نشریات دوره‌ای ویژه کودکان و نوجوانان، برخلاف مقررات مورد پیش‌بینی در قانون مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ درباره مطبوعات معمولی، باید به وسیله اشخاص غیرحقیقی، به صورت

■ در فرانسه یک کمیسیون مأمور نظارت و کنترل نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، متشکل از ۲۷ عضو تشکیل شده است که در وزارت دادگستری، تشکیل جلسه می‌دهد.

انجمن یا شرکت، تأسیس شوند. این نوع مؤسسات، باید علاوه بر تشکیلات معمولی مطبوعات، دارای یک کمیته مدیریت، متشکل از حداقل سه عضو باشند. اعضای این کمیته باید به لحاظ تابعیت، فرانسوی و از حیث صلاحیت اخلاقی و حقوق اجتماعی، فاقد سابقه محکومیت کیفری باشند. همچنین نباید از حق پدری و سرپرستی فرزند یا فرزندان، محروم شده باشند و به خاطر ارتکاب جنایت یا جرایم دیگر و از جمله جرائم مطبوعاتی مربوط به نشریات ویژه کودکان و نوجوانان محکوم گردیده باشند، عدم رعایت این شرایط به حبس و جریمه نقدی منتهی می‌شود.

همچنین به موجب ماده ۱۳ قانون یادشده، برعکس قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱

که هیچ نوع کسب اجازه قبلی انتشار را در مورد مطبوعات پیش‌بینی نکرده است، ورود نشریات خارجی ویژه کودکان و نوجوانان به کشور فرانسه، چه برای فروش و چه برای عرضه مجانی، به دریافت اجازه قبلی از وزیر اطلاعات، موکول شده است.

II. مقررات حاکم بر محتوای نشریات ویژه کودکان و نوجوانان - مطبوعات مخصوص کودکان و نوجوانان در فرانسه موظفند علاوه بر اجتناب از ارتکاب جرایم پیش‌بینی شده در قانون مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱، از جرائم مورد پیش‌بینی در قانون مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹ نیز خودداری کنند.

در ماده ۲ قانون اخیر، راجع به محتوای این مطبوعات، چنین پیش‌بینی شده است:

«نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، نباید هیچ‌گونه تصویر، داستان، گزارش، ستون مخصوص و مطلبی، معرف هواداری از تسهکاری، دروغ، دزدی، تنبلی، لایبالیگری، نفرت، بی‌بندوباری، یا تمام اعمالی که جنایت و جنحه محسوب می‌شوند و یا به نحوی باعث انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان می‌گردند و یا سبب تشویش و یا تقویت پیشداوری‌های قومی می‌شوند، دربر داشته باشند. آنها همچنین نباید هیچ‌گونه آگهی یا اعلان تجاری برای نشریاتی که طبیعتاً باعث انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان می‌گردند، دارا باشند.»

بنابراین، نشریات ویژه کودکان و نوجوانان در مقایسه با نشریات دیگر، که تنها ملزمند تعدادی قواعد اخلاقی و از جمله حمایت از خانواده و اخلاق حسنه را رعایت کنند، باید از نظام حقوقی محدودکننده‌تر و سخت‌گیرتری، تبعیت نمایند. به‌طور کلی، برای ارتکاب جرائم مورد پیش‌بینی در زمینه مندرجات نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، نسبت به جرائم پیش‌بینی شده درباره مطبوعات معمولی، مجازات‌های سنگین‌تری در نظر گرفته شده‌اند، که جریمه‌های نسبتاً سنگین

و حبس از یک ماه تا یک سال را در برمی‌گیرند. حتی در برخی موارد، دادگاه می‌تواند برای مدت ۲ ماه تا ۲ سال، انتشار نشریات مرتکب برخی جرایم را معلق کند و در صورت تکرار جرم، علاوه بر جریمه‌های سنگین و مجازات زندان تا مدت دو سال، این‌گونه نشریات را به طور موقت یا به‌طور دائم، از ادامه انتشار محروم سازد.

لازم به یادآوری است که در ماده ۱۴ قانون مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹ فرانسه،

کنترل نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، متشکل از ۲۷ عضو تشکیل شده است که در وزارت دادگستری فرانسه، تشکیل جلسه می‌دهد. اعضای این کمیسیون که برای مدت دو سال به وسیله وزیر دادگستری انتخاب می‌شوند، شامل ۶ عضو از وزارتخانه‌ها، ۴ عضو از پارلمان، ۲ قاضی از دادگاه اطفال، ۲ عضو از مدارس دولتی و غیردولتی، ۳ عضو از مطبوعات تجاری ویژه کودکان و نوجوانان، ۴ عضو از مطبوعات فرهنگی،



محدودیت‌هایی نیز درباره کلیه نشریات پیش‌بینی شده‌اند و به موجب آن مقام‌های صلاحیت‌دار می‌توانند با توجه به شرایط پیش‌بینی شده در این ماده، راجع به انتشار نشریات عمومی مضر برای کودکان و نوجوانان، ممنوعیت‌هایی در نظر بگیرند.

III. مقررات کمیسیون مأمور نظارت و کنترل نشریات ویژه کودکان و نوجوانان - مطابق ماده ۳ قانون مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹، یک کمیسیون مأمور نظارت و

سیاسی، مذهبی ویژه کودکان و نوجوانان، ۳ عضو از نقاشان و مؤلفان و ۲ عضو از اولیای کودکان و نوجوانان هستند. برای هرکدام از اعضای این کمیسیون، یک عضو علی‌البدل پیش‌بینی شده است و ریاست آن نیز به عهده یکی از قضات شورای دولتی فرانسه است.

اختیارات کمیسیون مذکور، اظهارنظر در مورد کسب اجازه ورود نشریات خارجی ویژه کودکان و نوجوانان به فرانسه، پیشنهاد اقدام برای بهبود و اصلاح

نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، هشدار به نشریات ویژه کودکان و نوجوانان که قانون را رعایت نمی‌کنند و اطلاع موارد تخلف به مأموران صلاحیت‌دار در صورت بی‌نتیجه ماندن هشدار یادشده را، در برمی‌گیرند.

باید خاطر نشان ساخت که مجازات‌های عدم رعایت ممنوعیت‌های مورد پیش‌بینی در قانون مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۹ فرانسه، از اهمیت فراوانی برخوردارند. مطابق این قانون، اگر نشریه‌ای که علیه آن حکم ممنوعیتی صادر شده است، ممنوعیت را رعایت نکند، مسؤول آن به یک ماه تا یک سال حبس و جریمه‌های نقدی مجازات می‌شود. حتی پیش از هر نوع تعقیبی، مأموران پلیس قضایی می‌توانند نشریاتی را که با وجود ممنوعیت، در معرض دید عموم قرار داده شده‌اند یا وسایلی را که به کمک آنها، برای نشریه مشمول ممنوعیت، آگهی کرده‌اند، توقیف کنند.

در مورد نشریات دوره‌ای ویژه کودکان و نوجوانان، دادگاه نه تنها می‌تواند آنها را به‌طور موقت یا دائم از انتشار محروم سازد، بلکه می‌تواند این نشریات را برای همیشه تعطیل کند.

ممنوعیت‌هایی که در فرانسه علیه نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، به وسیله وزیر کشور صادر می‌شوند، آثاری نیز به دنبال دارند. از جمله، به موجب ماده ۱۴ قانون یادشده، هنگامی که ۳ نشریه دوره‌ای یا غیردوره‌ای منتشر شده به وسیله یک ناشر، در طول مدت ۱۲ ماه متوالی، مشمول دو ممنوعیت از ممنوعیت‌های پیش‌بینی شده، قرار گرفته باشند، هیچ نشریه چاپ شده یا هیچ نشریه تحویل شده مشابه متعلق به همان ناشر، به مدت ۵ سال نمی‌تواند، پیش از تحویل سه نسخه از آن به وزارت دادگستری و نیز گذشت سه ماه از این تحویل، به معرض فروش گذاشته شود.^(۱) در کشور هند هم براساس «قانون نشریات مضر برای افراد جوان» مصوب

۲۸ دسامبر ۱۹۵۶، مقررات محدودکننده‌ای راجع به نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، اعمال می‌گردند.^(۱) در ایران تاکنون مقررات خاصی در مورد نشریات کودکان و نوجوانان تدوین و تصویب نشده‌اند. شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۷ ضمن تصویب «آیین‌نامه مربوط به اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» بر ضرورت تأسیس «هیأت نظارت بر نشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان» تأکید گذاشته است، که می‌تواند مبنای توجه به وضع قانون ویژه‌ای درباره نشریات دوره‌ای و غیردوره‌ای مخصوص کودکان و نوجوانان قرار گیرد.

■ در دوره‌های بعد از تصویب نخستین قانون مطبوعات ایران، که اصل انتشار آزادانه روزنامه‌ها را پیش‌بینی کرده بود، چه در جریان جنگ جهانی اول و چه در طول جنگ جهانی دوم، هیچ‌گاه مقررات خاص محدودکننده آزادی مطبوعات در زمان جنگ، به تصویب نرسیده بودند.

ماده ۵ آیین‌نامه یادشده، راجع به هیأت نظارت بر نشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان، چنین پیش‌بینی کرده است: «نظر به حساسیت و جنبه‌های خاص کتاب‌های کودکان و نوجوانان، هیأت ویژه‌ای به نظام هیأت نظارت بر نشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان، متشکل از حداقل پنج تن از افراد صاحب‌نظر و آگاه به امور تربیتی (از دیدگاه اسلامی) و مسایل خاص کتاب‌های کودکان و نوجوانان تشکیل خواهد شد. این افراد را وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از میان صاحب‌نظران و نویسندگان کتاب‌های کودکان و نوجوانان و اشخاص آگاه به مسایل تربیتی در اسلام، انتخاب و جهت

تصویب به شورای فرهنگ عمومی معرفی خواهد کرد.

تبصره ۱. حداقل یکی از اعضای این هیأت باید از میان صاحب‌نظران و اعضای سازمان پرورش فکری کودکان و نوجوانان باشد.

تبصره ۲. نظارت هیأت نظارت مزبور، از حیث شکل و محتوای کتب کودکان و نوجوانان و انطباق آنها با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول تربیتی خواهد بود و این نظارت باید قبل از چاپ و نشر کتاب انجام گیرد.

تبصره ۳. نظارت هیأت مزبور بر طبق آیین‌نامه‌ای انجام خواهد گرفت که این هیأت تهیه خواهد کرد و به تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد رسید. این آیین‌نامه باید ناظر به صورت و ماده کتب کودکان و نوجوانان باشد و راهنمایی باشد که مجریان با آن بتوانند محتوای این کتب را قبل از چاپ و نشر، با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول صحیح تربیتی تطبیق دهند.^(۱)

«هیأت نظارت بر نشر کتاب‌های کودکان و نوجوانان» که در سال ۱۳۷۳ براساس مصوبه یادشده شورای عالی انقلاب فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس شده است، آیین‌نامه خاص این هیأت راجع به هدایت، نظارت و حمایت در زمینه کتاب‌های مذکور و همچنین ضوابط چاپ و نشر آنها را تدوین و تصویب کرده است. اما چگونگی فعالیت‌ها و اقدامات آن، مشخص نیست.

۲. نشریات خارجی

در برخی از کشورهای غربی و از جمله فرانسه، به رغم اصل انتشار آزادانه مطبوعات، برای نشریات دوره‌ای و غیردوره‌ای منتشر شده به زبان‌های خارجی و یا وارد شده از کشورهای خارجی، مقررات محدودکننده‌ای پیش‌بینی گردیده‌اند.

براساس ماده ۱۴ قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه و اصلاحیه آن در سال ۱۹۳۹، تمام روزنامه‌ها و نشریه‌های دوره‌ای و غیردوره‌ای که به زبان‌های خارجی در این کشور انتشار می‌یابند و یا

از کشورهای خارجی به فرانسه وارد می‌شوند، مشمول مقررات محدودکننده نظارت پیش از انتشار قرار می‌گیرند. لازم به یادآوری است که در مورد نشریه‌های خارجی وارد شده به فرانسه، به موجب رویه قضایی معمول در این کشور، بین نشریه‌های خارجی زبان و نشریه‌های فرانسه زبان تهیه شده در کشورهای دیگر، تفکیک صورت می‌گیرد. به این معنی که نشریه‌های خارجی زبان، همه مشمول مقررات محدودکننده هستند. اما نشریه‌های فرانسه زبانی که در کشورهای خارجی چاپ و در فرانسه نیز منتشر می‌شوند، تنها در صورتی که به وسیله

■ حتی در زمان جنگ عراق علیه ایران، مقررات محدودکننده آزادی مطبوعات پدید نیامدند و تنها «ستاد تبلیغات جنگ»، بر هماهنگی اخبار و گزارش‌های نظامی، نظارت می‌کرد.

افراد خارجی و غیرفرانسوی و یا سرمایه خارجی تهیه و تدوین شده باشند، مورد محدودیت قرار می‌گیرند. به موجب ماده ۱۴ یادشده، وزیر کشور فرانسه می‌تواند انتقال و توزیع و فروش نشریات خارجی را در قلمرو آن، ممنوع کند، نسخه‌های واردشده از این نشریات به خاک فرانسه و نیز نسخه‌های نشریات خارجی تکثیر شده در فرانسه را توقیف نماید و برای تخلف در برابر این‌گونه ممنوعیت‌ها و توقیف‌ها، تقاضای تعقیب کیفری کند. وزیر کشور، همچنین اختیار دارد که علاوه بر ممنوعیت انتشار و توقیف نسخه‌های

شماره‌های مشخص نشریات خارجی، انتشار شماره‌های آینده آنها را که ممکن است به نظم عمومی لطمه وارد کنند نیز ممنوع اعلام نماید.^(۱۲) باید خاطر نشان ساخت که در بسیاری موارد، چه در فرانسه و چه در کشورهای دیگر که مقررات محدودکننده‌ای برای نشریات خارجی وضع شده‌اند، شیوه‌های اجرای این مقررات، اغلب تحت تأثیر روابط سیاسی با کشورهای مختلف قرار می‌گیرند. به طوری که در شرایط عادی بودن روابط، از اعمال محدودیت علیه نشریات خارجی کشورهای دوست کاسته می‌شود و در مواقع تیره شدن روابط سیاسی، اجرای این‌گونه محدودیت‌ها، گسترش می‌یابد.

همچنین لازم به یادآوری است که در سال‌های اخیر، بسیاری از حقوقدانان فرانسوی، با تکیه بر اصل «جریان بین‌المللی آزاد اطلاعات» و استناد به ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) و نیز ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) در این زمینه و نیز با تأکید بر ضرورت‌های تسهیل فرایند وحدت اروپا و استناد به ماده ۱۰ عهدنامه اروپایی حراست حقوق بشر (مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰) و سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در هلسینکی (مصوب اول اوت ۱۹۷۵) در مورد آزادی اطلاعات و جریان آزاد آن و تعهدات بین‌المللی و منطقه‌ای فرانسه برای اجرای آنها، با حفظ مقررات محدودکننده پیش‌بینی شده در ماده ۱۴ قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ درباره نشریات خارجی، به مخالفت برخاسته‌اند.^(۱۳) در ایران، توجه به محدودیت انتشار مطبوعات خارجی، برای اولین بار در قوانین مطبوعاتی بعد از انقلاب اسلامی، پدید آمده است. در آغاز ماده ۲ لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب (۲۰ مرداد ۱۳۵۸)، تأکید شده بود که

«انتشار نشریه، تنها به مسؤولیت اشخاص حقیقی و با سرمایه ایرانی، آزاد است». این تأکید مشخص می‌ساخت که تدوین‌کنندگان این لایحه قانونی برای پیشگیری از نفوذ سرمایه خارجی در مطبوعات ایران و مقابله با تأسیس و انتشار نشریات دوره‌ای به وسیله خارجی‌ان، اهمیت خاصی قائل شده‌اند. در قانون مطبوعات مصوب اسفند ۱۳۶۴ هم به موجب ماده ۸، که به جای ماده ۲ لایحه قانونی یادشده، قرار گرفته است، بر ضرورت ایرانی بودن سرمایه‌های مربوط به انتشار نشریات، تأکید گردیده است. در عین حال، مطابق تبصره این ماده،

■ رضاخان پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ با صدور اعلامیه‌ای با عنوان «حکم می‌کنم» مقرر داشت: «تمام روزنامه‌جات و اوراق مطبوعه، تا موقع تشکیل دولت، به کلی موقوف و برحسب حکم و اجازه‌ای که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند.»

مطبوعات سازمان‌های، آزادی‌بخش اسلامی کشورهای دیگر می‌توانند با سرمایه و مسؤولیت اشخاص غیر ایرانی، در ایران منتشر شوند.

۳. نشریات حاوی آگهی‌های قضایی و قانونی - در فرانسه علاوه بر نشریات دوره‌ای ویژه کودکان و نوجوانان، «نشریات آگهی‌های قضایی و قانونی»^{۱۷} نیز به تبعیت از مقررات محدودکننده آزادی مطبوعات، ملزم شده‌اند. این‌گونه نشریات که به انتشار آگهی‌های رسمی ضروری برای اعتباریابی، قابلیت اجرا و اعتراض‌پذیری برخی مصوبات قانونی و

تصمیمات قضایی می‌پردازند، به موجب قانون مصوب ۴ ژانویه ۱۹۵۵، باید از مقررات مربوط به نظارت قبلی، تبعیت کنند. براساس این قانون، تنها نشریاتی می‌توانند به انتشار آگهی‌های قضایی و قانونی اقدام نمایند که قبلاً اجازه خاص آن را از مقامات صلاحیت‌دار دریافت کرده باشند.

قانون مذکور، برای برخورداری نشریات دوره‌ای از اجازه انتشار آگهی‌های قضایی و قانونی، دو نوع شرایط ماهوی و شکلی در نظر گرفته است:

I. شرایط ماهوی نشریات - مطابق ماده ۲ قانون مصوب ۴ ژانویه ۱۹۵۵، که با

■ آخرین مورد مداخله حکومت

نظامی برای سانسور و

ممیزی مطبوعات و

جلوگیری از انتشار آزادانه

آنها در ایران، در آبان ماه

۱۳۵۷، در دوره

نخست‌وزیری ارتشبد غلامرضا

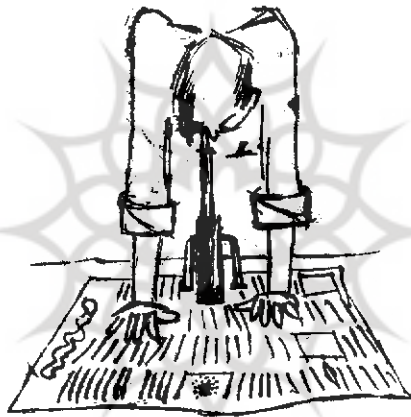
ازهارى، به وقوع پیوست.

تصویب قانون دیگری در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۷۸، مورد تجدیدنظر واقع شده است، نشریات متقاضی انتشار آگهی‌های قضایی و قانونی، باید از لحاظ محتوای مطالب، فاصله انتشار دوره‌ای، حوزه جغرافیایی انتشار و تعداد نسخه‌های مورد توزیع آنها، شرایط خاصی دارا باشند.

۱. قانون یادشده از حیث محتوای مطالب و مندرجات این نوع نشریات، مقرر ساخته است که «... تمام روزنامه‌های خبری عمومی، قضایی یا فنی ثبت‌نام شده در کمیسیون مشترک و دوجانبه نشریات و خبرگزاری‌ها - که به موجب قانون عمومی مالیات‌های فرانسه، با مشارکت مساوی و دوجانبه نمایندگان مؤسسات مطبوعاتی و خبرگزاری‌ها و

مقامات ذی‌صلاح اداری، برای نظارت بر تخفیف‌های مالیاتی مؤسسات مطبوعاتی و خبری و برخورداری آنها از کمک‌های دولتی تشکیل شده است - می‌توانند جهت ثبت‌نام در فهرست نشریات منتشرکننده آگهی‌های قضایی و قانونی پذیرفته شوند...» مطابق این قانون، نشریات متقاضی ثبت‌نام در این فهرست، نمی‌توانند بیش از دو سوم سطح خود را به آگهی‌ها اختصاص دهند. جای اختصاص یافته به آگهی‌های قضایی و قانونی هم جزو دو سوم سطح موردنظر برای آگهی‌ها، محسوب می‌شود.

۲. درباره فاصله انتشار دوره‌ای نشریات متقاضی انتشار آگهی‌های مذکور



نیز قانون مصوب ۴ ژانویه ۱۹۵۵، بر ضرورت داشتن «سابقه انتشار بیش از شش ماه و حداقل یک‌بار در هفته» تأکید کرده است. چنین به نظر می‌رسد که هدف قانون‌گذار از تأکید بر این دو خصوصیت، آن بوده است که نسبت به درج این‌گونه آگهی‌ها در نشریات منظم و با ثبات و همچنین درج و انتشار آنها در فرصت زمانی کوتاه، اطمینان پدید آید.

۳. از لحاظ حوزه جغرافیایی انتشار نشریات درج‌کننده آگهی‌های قضایی و قانونی هم در قانون یادشده خاطر نشان شده است که «روزنامه‌های متقاضی انتشار این آگهی‌ها، باید یا در استان خاص مورد نظر برای آگهی‌های مذکور منتشر شوند و یا آن که برای آن استان، یک چاپ

مخصوص حداقل هفتگی، داشته باشند». ۴. برای آن که نشریه‌ای بتواند به عنوان نشریه منتشرکننده آگهی‌های قضایی و قانونی تعیین شود باید علاوه بر حائز بودن سه شرط بالا، به موجب قانون ۴ ژانویه ۱۹۵۵، در حوزه جغرافیایی مربوط به آن، تعدادی نسخه‌های چاپ شده، که حداقل معادل کمترین تعداد مشخص شده از طریق تصویب نامه دولت، با توجه به اهمیت میزان جمعیت محلی خواهند بود، توزیع کند.

II. شرایط شکلی نشریات - نشریاتی که

شرایط ماهوی یادشده را دارا هستند، برای آن که بتوانند به عنوان نشریات منتشرکننده آگهی‌های قضایی و قانونی شناخته شوند، باید شرایط شکلی معینی، شامل موافقت کمیسیون مشورتی مربوط به این‌گونه نشریات در هر استان و ثبت‌نام در فهرست مخصوص نشریات مذکور نزد استانداری مربوط را نیز حائز گردند.

کمیسیون مشورتی مربوط به نشریات منتشرکننده آگهی‌های قضایی و قانونی در هر استان فرانسه، از طرف استاندار آن برای بررسی تقاضاهای مدیران نشریات داوطلب انتشار این آگهی‌ها تشکیل می‌شود و پس از اطمینان نسبت به احراز شرایط ضروری برای ثبت‌نام این نشریات در فهرست موردنظر، موافقت خود را در این زمینه اعلام می‌کند. این کمیسیون با ریاست استاندار و مشارکت رئیس دادگاه عمومی مرکز استان، رئیس کانون سردفتران استان و سه تن از مدیران روزنامه‌ها، فعالیت می‌کند.

پس از بررسی تقاضاهای دریافت شده و اعلام نظر کمیسیون درباره آنها، استاندار برای هر سال، فهرست نشریات منتشرکننده آگهی‌های قضایی و قانونی استان را مشخص می‌کند و به موازات آن، با کسب نظر از کمیسیون مشورتی، نرخ چاپ این آگهی‌ها در نشریات مذکور را نیز تعیین می‌نماید.^(۱۴)

باید یادآوری کرد که در ایران برای

نظارت بر نشریات دوره‌ای منتشرکننده آگهی‌های قضایی و قانونی، مقررات حقوقی دقیقی وضع نشده‌اند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به پیروی از تصویب نامه‌های دوره قبل از انقلاب اسلامی درباره تمرکز و توزیع آگهی‌های دولتی و تصویب نامه‌های جدید مشابه آنها بدون در اختیار داشتن ضوابط قانونی مشخص، به توزیع این آگهی‌ها در میان روزنامه‌ها اقدام می‌کند.^(۱۵)

۳. محدودیت‌های آزادی مطبوعات
علاوه بر استثنای آزادی مطبوعات، که موارد مشخص و معدودی از نظارت و محدودیت دولتی در مرحله‌های قبل و

■ **نشریات ویژه کودکان و نوجوانان در فرانسه در مقایسه با نشریات دیگر، باید از نظام حقوقی محدودکننده‌تر و سخت‌گیرتری، تبعیت نمایند.**

بعد از انتشار روزنامه‌ها و مجله را در بسرمی‌گیرند، محدودیت‌های قانونی متعددی نیز در قوانین اساسی و عادی و مخصوصاً قوانین مطبوعاتی، برای پیگیری و رسیدگی قضایی در مرحله پس از انتشار نشریات دوره‌ای، پیش‌بینی می‌شوند.

برای شناخت کلی چگونگی این محدودیت‌ها، در اینجا، تجربه‌های تاریخی اولین قانون‌گذاری‌های کشورهای بزرگ غربی درباره آزادی مطبوعات، که در کشورهای دیگر جهان مورد پیروی قرار گرفته‌اند و همچنین تجربه ایران، بررسی می‌گردند.

الف - انگلستان

در انگلستان به دنبال پیروزی انقلاب

مشروطیت (۸۹-۱۶۸۸)، که به لغو مقررات مربوط به کسب اجازه قبلی انتشار کتاب و مطبوعات و ممنوعیت سانسور آنها در سال ۱۶۹۵، منجر شد، تا مدت‌های طولانی آزادی مطبوعات با محدودیت‌های غیراصولی متعددی روبرو بود.

براساس قانونی که در سال ۱۷۱۲ به تصویب رسید، محدودیت‌های مالی خاصی در مورد پرداخت «حق تمبر مطبوعات»، «عوارض آگهی‌ها» و «عوارض کاغذ» برای مطبوعات انگلیسی پدید آمدند. این محدودیت‌ها، که از طرف مخالفان آنها به «مالیات بر دانش»^{۱۸} موسوم شده بودند، تا سال‌های اول نیمه دوم قرن نوزدهم، ادامه یافتند. مطبوعات انگلستان در سال‌های پس از انقلاب مشروطیت، به مدت چندین دهه از آزادی انتشار مذاکرات جلسات پارلمان این کشور نیز محروم بودند و سرانجام در سال ۱۷۷۱ از این آزادی برخوردار شدند. ضرورت رسیدگی قضایی به جرایم مطبوعاتی در حضور هیأت منصفه هم به موجب قانون خاصی در سال ۱۷۹۲ در پارلمان انگلستان تصویب گردید.

به‌طور کلی با توجه به وضع «حقوق غیرنوشته»^{۱۹} انگلستان، نظام آزادی مطبوعات این کشور با سایر ممالک غربی که دارای حقوق نوشته‌اند، تفاوت دارد. در انگلستان اصولاً روزنامه‌ها همان حقوقی را که برای افراد عادی پیش‌بینی شده‌اند، دارا هستند.

به عبارت دیگر، هر روزنامه می‌تواند با مسؤلیت خود، آنچه را مفید می‌داند، منتشر سازد و در صورت انتشار مطالب تهمت‌آمیز یا هر مطلب دیگری که روزنامه را در معرض تعقیب حقوقی یا جزایی قرار دهد، آثار آن را در برابر دادگاه مدنی یا جزایی به عهده گیرد. در عین حال، قوانین و مقررات خاصی نیز در دو قرن اخیر درباره مطبوعات در انگلستان وضع شده‌اند^(۱۶) و رویه‌های قضایی متعددی هم در این زمینه معمول گردیده‌اند.

در انگلستان در مورد محتوای مطبوعات، مقررات حقوق عمومی اعمال می‌شوند. طبق اصول کلی حقوق عمومی این کشور، تحریک افراد به عملیات خرابکارانه و طغیان و عدم اطاعت از قانون، لطمه زدن به اخلاق عمومی، اتهامات نادرست یا توهین‌آمیز علیه اشخاص یا مؤسسات عمومی و خصوصی و اتهامات افتراآمیز، مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرند.

رسیدگی به این‌گونه جرایم در صلاحیت دادگاه‌های دارای هیأت منصفه گذاشته شده است. برای حمایت قوه قضاییه، یک جرم خاص ۲۰ پیش‌بینی گردیده و جرم خاص دیگری نیز در مورد

■ **در ایران، توجه به محدودیت انتشار مطبوعات خارجی، برای اولین بار در قوانین مطبوعاتی بعد از انقلاب اسلامی، پدید آمده است.**

انتشار اسرار دولتی^{۲۱} که برای تأمین و حفظ امنیت کشور مخفی نگهداشته می‌شوند، در نظر گرفته شده است. مجازات‌ها و خسارات حقوقی ناشی از جرائم مطبوعاتی، معمولاً علیه ناشر و موزع روزنامه‌ها و در صورت مشخص نبودن آنها علیه چاپخانه و هرگاه نویسنده، مسؤلیت نوشته خود را قبول کند، علیه خود او اعمال می‌گردند. باید یادآوری کرد که در برابر آزادی‌های نسبتاً وسیع مطبوعات انگلستان، مسؤلیت‌های سنگینی نیز وجود دارند و گاهی غرامت‌ها و خسارت‌های ناشی از جرایم مطبوعاتی می‌توانند روزنامه‌ها را به نابودی بکشانند. انتشار و فروش و انتقال و توزیع متن‌ها و تصویرهای مستهجن و قبیحه، برطبق مقررات حقوق عمومی و متن‌های قانونی

متعدد، جرم شناخته می‌شوند و تحت تعقیب قرار می‌گیرند.

در انگلستان از سال ۱۷۷۶ به بعد، اصولاً هیچ نشریه‌ای را، جز در مواردی که به موجب مقررات قانونی مقصر شناخته می‌شود، نمی‌توان توقیف کرد. با وجود اعمال حقوق عمومی غیرنوشته، قضات انگلیسی به تدریج ناچار شده‌اند در مورد جرایم مطبوعاتی، بعضی از قوانین را که از لحاظ موضوعی یا از جهت تفسیری، خصوصیت استثنایی دارند، رعایت کنند. به همین جهت از اواسط قرن نوزدهم، گرایش به اعمال یک نظام خاص حقوقی در مورد مطبوعات افزایش یافته است. در این زمینه، قانون ۱۸۴۳^{۲۲} که مصونیت

■ براساس قانونی که در سال ۱۷۱۲ در انگلستان به تصویب رسید،

محدودیت‌های مالی خاصی در مورد پرداخت «حق تمبر

مطبوعات»، «عوارض

آگهی‌ها» و «عوارض کاغذ»

برای مطبوعات انگلیسی

پدید آمد، که از طرف

مخالفان آنها به «مالیات بر

دانش» موسوم شده بودند.

روزنامه‌نگار را برای اتهامات افتراآمیز در راه منافع عمومی و در صورت ارائه دلیل، پیش‌بینی کرده تحول بزرگی پدید آورده است. در مقدمه این قانون تصریح شده است که مقررات خاص آن سبب تحکیم آزادی مطبوعات خواهند شد.

در مورد این‌گونه اتهامات افتراآمیز، متهم به ارتکاب جرم باید ثابت کند که هدف او از انتشار مطالب موردنظر، لطمه به شخص افترا دیده نبوده، بلکه در راه تأمین منافع عمومی به آن دست زده است. به همین سبب در سال ۱۹۴۹ یک روزنامه انگلیسی، که شخصی را پیش از محاکمه او، به ارتکاب قتل متهم ساخته بود، به پرداخت غرامتی سنگین محکوم شد. با

آنکه قاتل موردنظر پس از آن، مجرم شناخته شد و اعدام گردید، اما روزنامه مجبور شد غرامت مربوط به آن را بپردازد. زیرا قضات ادعای روزنامه را که معتقد بود در راه منافع عمومی اقدام کرده است، نپذیرفتند.^(۱۷)

ب. ایالات متحده آمریکا

آزادی مطبوعات در ایالات متحده آمریکا، همزمان با پیروزی جنگ‌های استقلال‌طلبانه مستعمره‌نشینان این سرزمین علیه استعمار انگلستان در سال ۱۷۷۶، به عنوان یک حق طبیعی فرد، مورد توجه و احترام قرار گرفت.

در اصل ۱۲ «اعلامیه حقوق»^{۲۳} ایالت ویرجینیای آمریکا، که در ۱۲ ژوئن همان سال انتشار یافت، برای نخستین بار در جهان، آزادی مطبوعات رسماً تضمین شد. اصل مذکور در این باره چنین اعلام کرده است:

«آزادی مطبوعات یکی از مستحکم‌ترین سنگ‌های آزادی است و هرگز، جز به وسیله حکومت‌های استبدادی، محدود نمی‌شود.»^(۱۸)

در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا، که در ۱۴ ژوئیه ۱۷۷۶ منتشر گردید و همچنین در قانون اساسی ۱۷۸۷ این کشور به آزادی مطبوعات هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده بود. اما این خلاء در سال ۱۷۹۱ با تصویب نخستین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا از میان رفت. متن این اصلاحیه درباره آزادی بیان و مطبوعات بدین قرار است:

«کنگره [ایالات متحده آمریکا] نمی‌تواند قانونی وضع کند که... آزادی بیان یا مطبوعات... را محدود نماید...»^(۱۹)

به عقیده برخی از حقوق‌دانان، در اولین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، حقوق طبیعی فرد به شکل بسیار ساده‌آن مورد توجه قرار گرفته است و به همین سبب، برای برقراری آزادی مطبوعات، عدم مداخله قدرت سیاسی در محدودیت آن، کافی است.

البته باید در نظر گرفت که نخستین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، فقط دولت مرکزی این کشور را از محدودیت آزادی بیان و مطبوعات بازداشته است و به خودی خود، قدرت دولت‌های خود مختار ایالات را در این زمینه محدود نکرده است. به همین جهت در قوانین اساسی ایالات مختلف نیز تضمین‌هایی مشابه این اصلاحیه، پیش‌بینی گردیده‌اند. به‌طور مثال در قانون اساسی ایالات «ویرجینیای غربی» گفته شده است:

«هیچ قانونی که آزادی بیان یا مطبوعات را محدود کند، تصویب نخواهد شد. اما قانونگذار می‌تواند با وضع مجازات‌های لازم، انتشار یا فروش کتاب‌ها، روزنامه‌ها یا تصویرهای مستهجن و قبیحه را ممنوع کند و برای تهمت و افترا نیز مجازات پیش‌بینی نماید و امکان جبران خسارت شاکس خصوصی از طریق تعقیب مدنی را هم فراهم سازد...»

در قانون اساسی ایالت «نیویورک» نیز در این مورد چنین آمده است:

«هر شهروندی می‌تواند آزادانه، به‌طور شفاهی یا کتبی، عقاید خود را درباره تمام موضوع‌ها ابراز دارد و منتشر سازد و مسؤلیت سوءاستفاده از این حق نیز به عهده اوست. بنابراین، هیچ قانونی برای کنترل کردن و محدود ساختن آزادی بیان یا آزادی مطبوعات، تصویب نخواهد شد...»

قانون اساسی ایالت «ایلینوی»^{۲۴} هم با بیانی مشابه در این زمینه چنین پیش‌بینی کرده است.

«هرکس می‌تواند آزادانه راجع به همه موضوع‌ها سخن بگوید، بنویسد و نشر دهد و مسؤلیت سوءاستفاده از این آزادی هم با اوست...»

در ایالات متحده آمریکا، برای اندیشه‌های آزادی‌گرایی که در ممالک قاره‌ای اروپا در طول قرن نوزدهم با موانع متعددی برخورد کردند، زمینه کاملاً مساعدی وجود داشت. به همین جهت در این سرزمین، اصول آزادی‌گرایی از همان زمان استقلال رو به پیشرفت گذاشتند. باید خاطر نشان ساخت که چون

کنگره ایالات متحده آمریکا به موجب نخستین اصلاحیه قانون اساسی، از وضع قانون علیه آزادی مطبوعات ممنوع شده است، دولت مرکزی این کشور نمی‌تواند مطبوعات را محدود کند و در این زمینه تنها دولت‌های خودمختار ایالات تصمیم می‌گیرند.

قوانین اساسی ایالات، در عین حال که آزادی مطبوعات را تضمین کرده‌اند، موارد مقابله با سوءاستفاده از این آزادی را نیز مشخص ساخته‌اند. از این لحاظ، محدودیت‌های آزادی بیان و مطبوعات که مخالف قانون اساسی تلقی نمی‌شوند، به چهار دسته تقسیم می‌گردند:

۱. حمایت افراد علیه اهانت و افترا؛
۲. حمایت جامعه علیه اشاعه مطالب مستهجن؛
۳. حمایت دولت علیه تشنجات داخلی؛
۴. حمایت دولت علیه تجاوزات خارجی.

دیوان عالی ایالات متحده آمریکا، مرز تفکیک حقوق تضمین شده در نخستین اصلاحیه قانون اساسی و محدودیت‌های چهارگانه فوق در مورد این حقوق را به ترتیب زیر مشخص ساخته است.

«در هر مورد، مسأله آن است که معلوم شود آیا کلمات به کار گرفته شده، در شرایطی استعمال شده‌اند و دارای چنان ماهیتی هستند که به طور آشکار و فوری، خطر ایجاد عواقب نامطلوبی را که کنگره صریحاً حق جلوگیری از آن را دارد، پدید می‌آورند یا خیر؟»

در سال ۱۸۶۸ با تصویب چهاردهمین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا برای ممنوع ساختن دولت‌های ایالتی از وضع یا اجرای قوانین محدودکننده مزایا و مصونیت‌های شهروندان آمریکایی، نخستین اصلاحیه قانون اساسی تحکیم شد. دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در اجرای چهاردهمین اصلاحیه، با رویه قضایی بی‌باکانه خود به قضات اختیار داده است

که انطباق قوانین ایالتی با قوانین دولت مرکزی، به ویژه در زمینه اطلاعات را، تحت کنترل قرار دهند.

باید خاطر نشان ساخت که در ایالات متحده آمریکا، افترا از طریق مطبوعات، هم از لحاظ مدنی و هم از جهت جزایی، قابل تعقیب است. در مورد تعقیب مدنی، مطبوعات حق دارند با توجه به اصل «حقیقت همیشه یک دفاع است»^{۲۵}، دلایل صحت مطالب انتشار یافته را ارائه دهند و از محکومیت برکنار بمانند. در مورد تعقیب جزایی، استناد به صحت مطالب انتشار یافته در صورتی امکان‌پذیر است که روزنامه در راه منافع عمومی به این امر اقدام کرده باشد.

به موجب قوانین مربوط به مطبوعات در بسیاری از ایالات آمریکا، آگهی‌های مندرج در روزنامه‌ها باید به‌طور آشکار به عنوان تبلیغ بازرگانی معرفی شوند تا به هیچ‌وجه با متن‌های خبری مشتبه نگردند.^(۲۰)

پ. فرانسه

در فرانسه به دنبال پیروزی انقلاب کبیر این کشور، که ریشه‌دارترین و گسترده‌ترین انقلاب آزادی‌خواهی و دموکراسی‌طلبی غربی به‌شمار می‌رود، آزادی مطبوعات مورد توجه فراوان قرار گرفت.

در «اعلامیه حقوق بشر و شهروند»^{۲۶} انقلاب کبیر فرانسه که در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ در پاریس انتشار یافت، برای نخستین بار، تعریف‌های حقوقی دقیقی از «آزادی» به معنای اعم و همچنین آزادی مطبوعات و حتی «آزادی ارتباطات» به صورت عام، ارائه شدند و حدود آنها نیز مشخص گردیدند.

اصل چهارم «اعلامیه حقوق بشر و شهروند»، درباره «آزادی» چنین گفته است: «آزادی عبارت از انجام هر کاری است که به دیگری لطمه وارد نسازد. بنابراین، اعمال حقوق طبیعی هر شخص، محدودیتی جز آنچه برای تأمین حقوق طبیعی اعضای دیگر جامعه در نظر گرفته شده است، ندارد و

این محدودیت‌ها را فقط قانون معین می‌کند.»^(۲۱)

اصل دهم اعلامیه مذکور به «آزادی عقیده» اختصاص یافته است:

«هیچ‌کس را نمی‌توان به سبب عقاید وی، حتی عقیده مذهبی، مورد تعقیب قرار داد، به شرط آنکه ابراز این عقاید، مخل نظم عمومی نگردد.»^(۲۲)

اصل یازدهم اعلامیه راجع به «آزادی ارتباطات» و از جمله «آزادی مطبوعات»، بدین ترتیب است:

«انتقال و انتشار آزاد افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق انسانی است. بنابراین، هر شهروندی می‌تواند آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند. مگر در مواردی که برای مقابله با سوءاستفاده از این آزادی، در قانون

■ مجازات‌ها و خسارات

حقوقی ناشی از جرائم

مطبوعاتی در انگلستان،

معمولاً علیه ناشر و موزع

روزنامه‌ها و در صورت

مشخص نبودن آنها علیه

چاپخانه و هرگاه نویسنده،

مسئولیت نوشته خود را

قبول کند، علیه خود او عمال

می‌گردند.

مشخص شده‌اند و قابل تعقیب می‌باشند.»^(۲۳)

باید در نظر داشت که به عقیده حقوقدانان، «اعلامیه حقوق» بیش از یک قانون اساسی، حائز اهمیت است. زیرا هرچند قانون اساسی، یک قانون عالی است که قوانین عادی نباید با آن مغایرت داشته باشند، اما «اعلامیه حقوق» حتی بر قانون اساسی نیز برتری دارد و زیربنای آن را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، اعلامیه‌های بزرگ حقوق بشر، جنبه جهانی دارند و تمام قوانین اساسی و همه ملل را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

اعلامیه‌های حقوق، به عقیده تدوین‌کنندگان آنها، باید در برابر گذشت

زمان استوار بمانند. زیرا حقوقی که در آنها مورد تضمین قرار می‌گیرند، متعلق به انسان و جدانشدنی از طبیعت وی هستند. به طوری که اگر این حقوق از انسان گرفته شوند، دیگر انسان بودن مفهوم نخواهد داشت. به همین جهت، حقوق بشر، غیرقابل مرور زمان و سلب‌نشده‌اند و قدیم‌تر و برتر از هر جامعه‌ای به‌شمار می‌روند.^(۲۴)

اعلامیه «حقوق بشر و شهروند»



انقلاب کبیر فرانسه نیز مانند نخستین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا، بر نظریه حقوق طبیعی فرد استوار گردیده است. اما در این اعلامیه، به لزوم مداخله قانون - که با محدود ساختن حقوق هرکس، حقوق دیگران را تضمین می‌کند - توجه خاص شده است.

بدون تردید، قانون باید فقط برای مشخص کردن موارد سوءاستفاده از آزادی، یعنی تنها مواردی که می‌توانند برای مطبوعات مسئولیت پدید آورند، مداخله

کند. بدین ترتیب، اصل یازدهم اعلامیه در این زمینه، یک «نظام تنبیهی» و قانونی پیش‌بینی کرده که با نظام پیش‌گیرانه و خودکامه پیش از انقلاب، متضاد است.

بر مبنای این نظام جدید، آزادی اصولاً بر قانون استوار است. موجودیت و حراست آن نیز به وسیله قانون تأمین می‌شود و بنابراین، بین اندیشه مسئولیت و اندیشه آزادی، بستگی عمیق وجود دارد.

در طول قرن نوزدهم، تمام قوانین اساسی کشورهای اروپایی (مانند قانون اساسی ۱۸۳۱ بلژیک، قانون اساسی ۱۸۴۵ اسپانیا، قانون اساسی ۱۸۴۸ سوئیس، قانون اساسی ۱۸۶۷ اتریش و قانون اساسی ۱۸۷۴ آلمان)، آزادی مطبوعات را بر مبنای اصول مندرج در اعلامیه‌های حقوق ایالات متحده آمریکا و فرانسه و اغلب با عباراتی شبیه اصل یازدهم «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» انقلاب کبیر ۱۷۸۹ فرانسه، به رسمیت شناختند.

در فاصله زمانی طولانی پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه و برقراری جمهوری سوم این کشور، که در اوایل دهه ۱۸۷۰ صورت گرفت، آزادی مطبوعات وضع ثابتی پیدا نکرد. در طول این چنددهه، به دنبال سقوط سلطنت و ایجاد جمهوری اول (۱۷۹۳)، روی کار آمدن ناپلئون بناپارت و تأسیس امپراتوری اول (۱۸۱۴-۱۷۹۸)، بازگشت سلطنت و پادشاهی سه پادشاه در فاصله ۱۸۱۴ تا ۱۸۴۸، برقراری جمهوری دوم در تاریخ اخیر و قدرت یافتن لویی بناپارت و ایجاد امپراتوری دوم (۱۸۷۰-۱۸۵۱)، چندین اعلامیه حقوق و قانون اساسی و قانون و فرمان و تصویب‌نامه مطبوعاتی، منتشر شدند. اما در تمام این دوره‌ها، آزادی مطبوعات متزلزل بود.

قانون اساسی ۱۸۷۵ جمهوری سوم فرانسه، در مورد آزادی مطبوعات ساکت بود. در این قانون هیچ اعلامیه حقوقی درج نشده بود و حتی به اعلامیه‌های حقوقی قبلی نیز اشاره نگردیده بود. در

عین حال، یکی از نخستین قوانین مهم جمهوری سوم فرانسه، قانون آزادی مطبوعات بود که در ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ به تصویب رسید.

قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه درباره آزادی مطبوعات که به «بنای آزادی‌گرایی»^{۲۷} معروف شده است و هم‌اکنون نیز در آن کشور اجرا می‌شود، جانشین ۴۲ قانون و فرمان و تصویب‌نامه قبلی شد. هدف اصلی قانونگذاران فرانسه از تصویب این قانون، تأمین حداکثر آزادی روزنامه‌ها و ایجاد یک نظام «مسئولیت مطبوعاتی» بود. چنان نظامی که حکومت‌ها به هیچ وجه نتوانند آن را برای مقید ساختن مطبوعات، دست‌آویز قرار دهند.

به‌طور کلی، قانون مذکور بر اساس اصول زیر استوار گردیده است:

۱. لغو اقدامات پیش‌گیرانه - به موجب این قانون، دیگر مانند گذشته برای انتشار روزنامه و کتاب، نیازی به کسب اجازه قبلی و سپردن تضمین مالی وجود ندارد. در مورد روزنامه، اعلام نام مدیرمسئول و در مورد کتاب، چاپ نام ناشر کافی است.
۲. تأمین حق جواب - طبق قانون مذکور، هرگاه شخصی به مناسبتی در مطالب روزنامه یا مجله، مورد اشاره یا انتقاد قرار گیرد، دارای حق جواب است و می‌تواند نظر مکتوب خود را در مورد تصحیح این مطلب، برای مدیر نشریه ارسال دارد و وی ملزم است که این نظر را در محل درج مطلب اصلی با همان حروف چاپ کند.
۳. از میان رفتن جرایم عقیدتی - در قانون اخیر، جرایم عقیدتی وجود ندارند. در عین حال اگر مطبوعات، برخی از جرایم حقوق عمومی، مانند توهین، افترا و تحریک به ارتکاب جنایات را مرتکب شوند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند. اما چاپ اخبار نادرست، تنها در صورتی تعقیب می‌شود که انتشار آنها با سوءنیت صورت گرفته و باعث اختلال نظم عمومی شده باشد.

۴. رسیدگی جرایم مطبوعاتی به وسیله هیأت منصفه - برطبق متن اولیه این قانون، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در صلاحیت انحصاری دادگاه حقوقی با حضور هیأت منصفه قرار داشت.^(۲۵) مگر در مورد افترا که محاکم جنحه به آن رسیدگی کردند.

۵. مسؤولیت مدیرمسئول یا ناشر - به موجب این قانون، در صورتی که به سبب انتشار روزنامه یا کتاب، جرمی ارتکاب یافته باشد و مورد تعقیب واقع شود، مدیر روزنامه یا ناشر کتاب، مسؤول شناخته می‌شوند. نویسنده مقاله یا کتاب ممکن است به عنوان شریک جرم مورد تعقیب قرار گیرند.

■ باید یادآوری کرد که در برابر آزادی‌های نسبتاً وسیع مطبوعات انگلستان، مسؤولیت‌های سنگینی نیز وجود دارند و گاهی غرامت‌ها و خسارت‌های ناشی از جرایم مطبوعاتی می‌توانند روزنامه‌ها را به نابودی بکشانند.

مقررات قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه را می‌توان به منزله مقررات حاکم بر تمام وسایل ارتباطی تلقی کرد. زیرا این قانون تمام شیوه‌های انتشاری موجود در آن زمان را در برمی‌گیرد. با تمام احوال، قانون مذکور برخی از تخلفاتی را که ممکن است از طریق یک وسیله انتشاری صورت گیرند، مسکوت گذاشته و به ویژه، هیچ مقرراتی برای مؤسسات مطبوعاتی و حرفه‌های مطبوعاتی، پیش‌بینی نکرده است.^(۲۶)

نخستین قانون مطبوعات ایران، مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ ه. ق هم، همان‌طور که قبلاً یادآوری شد، با اقتباس از قانون اخیر فرانسه تدوین شده بود.

در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، در قانون اساسی جمهوری چهارم این کشور، که در سال ۱۹۴۶ تصویب شد، برخلاف قانون اساسی جمهوری سوم، «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» انقلاب ۱۷۸۹، در مقدمه قانون قرار گرفت و در مورد قانون اساسی جمهوری پنجم این کشور (مصوب ۱۹۵۸) هم این رویه تکرار شده است. به همین لحاظ، در حال حاضر ماده ۱۱ اعلامیه پسادشده درباره آزادی مطبوعات، مبنای حقوقی اصلی این آزادی، محسوب می‌شود.

ت - ایران

محدودیت‌های آزادی مطبوعات در ایران نیز مانند کشورهای غربی، در قوانین اساسی و قوانین مطبوعاتی دوره‌های بعد از انقلاب مشروطیت و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین مطبوعاتی پس از انقلاب اسلامی، پیش‌بینی شده‌اند.

اصل سیزدهم قانون اساسی دوره انقلاب مشروطیت (مصوب ۱۳ ذیقعدة ۱۳۲۴ ه. ق) درباره آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن چنین مقرر کرده بود: «... هرکس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد، در روزنامه عمومی بپردازد، تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. لهذا عموم روزنامه‌جات مادام که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسی دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را... به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با غریب شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.»

در اصل بیستم متمم قانون اساسی این دوره (مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه. ق) هم راجع به آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن، چنین پیش‌بینی شده بود:

«عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در

آنها ممنوع است. ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده، معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع، از تعرض مصون است.»

در نخستین قانون مطبوعات ایران (مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ ه. ق)، که در دوره انقلاب مشروطیت با اقتباس از قانون مطبوعات مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه، تهیه و تدوین شده بود، محدودیت‌ها و جرایم مطبوعاتی به‌طور نسبتاً دقیق طرف توجه قرار گرفته بودند. در این قانون، علاوه بر مبحث «تعرضات» (مواد ۱۰ تا ۱۲) در فصل سوم آن، که مقررات حق جواب خوانندگان را مطرح کرده بود، فصل پنجم به «حدود تقصیرات» نشریات اختصاص یافته بود و ضمن آن در چند مبحث، به ترتیب، «حدود تقصیر نسبت به جماعت» (مواد ۲۶ تا ۳۰)، «تقصیرات نسبت به افراد» (مواد ۳۱ تا ۳۹)، «توهین و مجازات آن نسبت به سلاطین خارجه و مأمورین سیاسی» (مواد ۴۰ تا ۴۲) و «مواردی که طبع و نشر آنها جایز نیست» (مواد ۴۳ تا ۴۵)، مشخص گردیده بودند.

در فصل ششم قانون مذکور، که به «محاکمه» (مواد ۴۶ تا ۴۸) و «ضبط و حبس روزنامه‌جات و غیره» (مواد ۴۹ تا ۵۲)، تخصیص داده شده بود، به موجب ماده ۴۹ موارد ششگانه‌ای برای محدودیت‌های مطبوعاتی پیش‌بینی گردیده بودند. با توجه به این ماده، مطالبی که «مضر به اساس مذهب اسلام»، باعث «هتک احترامات سلطنت»، سبب کشف «نقشه و طرح حرکت قشون یا دیگر اسرار نظامی» و «دعوت بر مضارت قوای رسمیه مملکت»، «موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی» و «اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت» تشخیص داده می‌شدند، مهمترین جرایم مطبوعاتی را تشکیل می‌دادند و به توقیف روزنامه

منتهی می‌گردیدند.

در همین قانون، به موجب مواد ۳۴ تا ۳۹، «هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد» نیز جرم شناخته شده بود. اما مجازات آن نسبت به جرایم مذکور در ماده ۴۹ بسیار خفیف‌تر بود.

— در دومین قانون مطبوعات، که به صورت لایحه قانونی در ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ در دوره حکومت دکتر محمد مصدق تصویب شده بود، نیز فصل ویژه‌ای به «جرایم مطبوعاتی» اختصاص یافته بود.

ماده ۱۵ این قانون، برای تحریص و تشویق صریح مردم به خرابکاری و

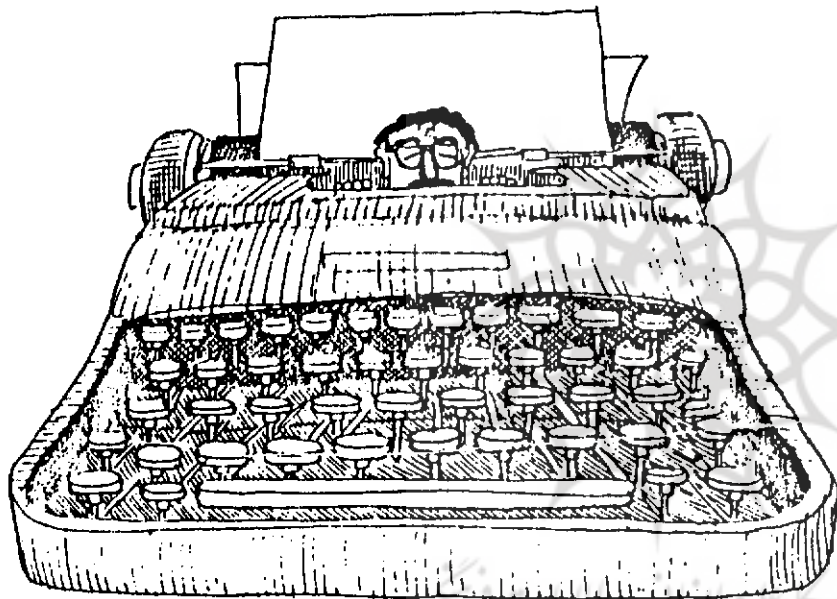
شده بود.

ماده ۱۸ این قانون، تحریص و تشویق صریح مردم از طریق روزنامه یا مجله یا کتاب به ارتکاب جنحه یا جنایت برضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت را مستوجب مجازات حبس و پرداخت غرامت، شناخته بود و ماده ۱۹ آن نیز، برای تقدیر و تمجید از این جرایم در مطبوعات، جریمه نقدی در نظر گرفته بود.

در مواد ۲۰ و ۲۱ قانون یادشده هم، توهین از طریق مطبوعات، به مقام سلطنت و یا شخص شاه و همچنین توهین به رئیس یا نماینده سیاسی

فحش و الفاظ رکیک و یا نسبت‌های توهین‌آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس افراد از طریق مطبوعات، مستوجب ۲ تا ۶ ماه حبس تأدیبی و پرداخت جریمه، شناخته شده بودند.

مواد ۲۴ تا ۲۶ قانون هم برای تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشاء اسرار دیگران، به وسیله مطبوعات و همچنین اهانت و تهمت و افترا به وزرا و نمایندگان مجلس و مستخدمین دولتی و مقامات رسمی دیگر و نیز اهانت از طریق مطبوعات به اقلیت‌های مذهبی یا نژادی ایران و ایجاد نفاق و کینه در میان سکنه



■ نخستین اصلاحیه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا درباره مطبوعات مقرر داشته است: «کنگره ایالات متحده آمریکا نمی‌تواند قانونی وضع کند که... آزادی بیان یا مطبوعات... را محدود نماید...»

آتش‌سوزی و قتل و غارت و سرقت و نیز ترغیب و تشویق افسران و افراد ارتش به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی، مجازات حبس تأدیبی از ۶ ماه تا سه سال، در نظر گرفته بود.

به موجب ماده ۱۶ قانون مذکور، افشاء و انتشار دستورهای محرمانه و اسرار ارتش و یا قلاع و استحکامات نظامی در زمان جنگ به وسیله مطبوعات، به حبس مجرد از ۲ تا ۵ سال و در زمان عادی به ۶ ماه تا دو سال حبس، منجر می‌گردید.

در ماده ۱۷ قانون، برای انتشار مقاله مضر به اساس دین حنیف اسلام، سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی در نظر گرفته

مملکت خارجی دارای روابط دوستانه با ایران، بر طبق ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی، موجب مجازات معرفی گردیده بودند.

ماده ۲۲ قانون مذکور نیز برای انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا اخلاق حسنه، انتشار صور قبیحه، انتشار آگهی‌ها و یا عکس‌های مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی و همچنین انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و تحقیقات و تصمیمات ممنوع‌الانتشار مراجع قضایی، تأدیه غرامت، پیش‌بینی کرده بود.

در ماده ۲۳ این قانون، تهمت و افترا یا

مملکت و تحریص آنان به دشمنی و نفاق نژادی یا مذهبی، مجازات حبس تأدیبی و پرداخت غرامت، پیش‌بینی کرده بودند.

— در سومین و آخرین قانون مطبوعات رژیم سابق، که در شرایط اختناق پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به صورت لایحه قانونی در ۱۰ مرداد ۱۳۳۴ به تصویب رسیده بود، بر طبق ماده ۳۸، انتشار مطالب «مضر به اساس دین اسلام»، «هتک احترام از مقام سلطنت»، «کشف نقشه و طرح حرکت قشون یا دیگر اسرار نظامی»، «دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی»، «برانگیختن هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی» و «انتشار

مقالات مضر به عفت عمومی یا اشاعه صور قبیحه برضد عصمت و عفت عمومی، از مهمترین جرایم مطبوعاتی معرفی شده بودند و توقیف روزنامه‌هایی که به ارتکاب این‌گونه جرایم متهم می‌گردیدند، قبل از صدور حکم دادگاه مجاز شناخته شده بود.

البسته در سال‌های پس از تصویب قانون اخیر، به موازات گسترش اختناق و تشدید فشارهای مطبوعاتی، دیگر هیچ ضابطه و معیاری برای جرایم مطبوعاتی وجود نداشت و مأموران امنیتی به‌طور

■ باید اذعان کرد که مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب، در مورد برخی از جرایم مطبوعاتی، نسبت به قوانین مطبوعاتی پیش از انقلاب، محدودتر و سبک‌تر بودند و شاید بتوان گفت که این نرمش، تحت‌تأثیر شرایط «بهار آزادی» پس از انقلاب صورت گرفت.

خودسرانه روزنامه‌های موجود را که از طریق سازشکاری با هیأت حاکمه، انتشار خود را ادامه می‌دادند، از چاپ مطالب مغایر مصالح قدرت خودکامه، برحذر می‌داشتند و مطالب موردنظر خویش را در صفحات آنها درج می‌کردند و هر روزنامه‌نگاری را که کوچکترین مقاومتی نشان می‌داد، به زندان می‌انداختند و یا ممنوع‌القول می‌نمودند.

در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین مطبوعاتی مصوب

شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی، مقررات مربوط به آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن، طرف توجه قرار گرفته‌اند.

مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درباره آزادی مطبوعات و محدودیت‌های آن، چنین پیش‌بینی شده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.»

قوانین مطبوعات ایران در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز فصل‌های خاصی برای محدودیت‌ها و جرایم مطبوعاتی پیش‌بینی کرده‌اند. لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب (۲۰ مرداد ۱۳۵۸)، مانند قوانین مطبوعاتی قبلی تنها یک فصل واحد درباره جرایم مطبوعاتی در نظر گرفته بود. در حالی که قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای اسلامی (۲۲ اسفند ۱۳۶۴)، دو فصل جداگانه با عنوان‌های «حدود مطبوعات» (فصل چهارم) و «جرایم» (فصل ششم) در این زمینه ارائه نموده است.

باید یادآوری کرد که برداشت‌های کلی لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب درباره محدودیت‌ها و جرایم مطبوعات هم مانند مقررات تأسیس و اداره روزنامه‌ها بر مبنای محتوای قوانین مطبوعاتی رژیم گذشته صورت گرفته بودند و بنابراین، بسیاری از ایرادهایی که در آن قوانین وجود داشتند در این قانون هم به چشم می‌خوردند. در عین حال، باید اذعان کرد که در مورد برخی از جرایم مطبوعاتی، از جمله در زمینه افشاء و انتشار اسرار نظامی و تحریک علیه امنیت داخلی و خارجی و حتی در مورد جرایم مربوط به اسلام و مراجع تقلید، مجازات‌های پیش‌بینی شده، نسبت به قوانین مطبوعاتی پیش از انقلاب، محدودتر و سبک‌تر بودند و شاید بتوان

گفت که این نرمش، تحت‌تأثیر شرایط «بهار آزادی» پس از انقلاب، عکس‌العملی علیه محیط ارباب و وحشت و سیاست سانسور و سرکوب فکری رژیم سابق، بوده است.

قانون مطبوعات مصوب اسفندماه ۱۳۶۴، در فصل چهارم آن، که به «حدود مطبوعات» اختصاص یافته است، موارد محدودیت در مندرجات نشریات را به‌طور کلی و بدون اشاره به مجازات‌های آنها، مشخص کرده است.

به موجب ماده ۶ قانون مذکور، در مورد حدود مطبوعات، چنین مقرر شده است:

«نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی، که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند:

۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲. اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

۳. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴. ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به‌ویژه از طریق طرح مسایل نژادی و قومی.

۵. تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.

۶. فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحضامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی، بدون مجوز قانونی.

۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸. افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹. سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های

متحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آیین نامه مشخص می‌کند).

تبصره: سرقت ادبی عبارتست از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه».

در فصل ششم قانون مطبوعات درباره «جرایم مطبوعاتی» محدودیت‌های آزادی مطبوعات در زمینه‌های مختلفی همچون حق جواب به توهین و افترا و مطالب



خلاف واقع (ماده ۲۳)، افشاء و انتشار اسرار و نقشه‌های نظامی و تحریک علیه امنیت کشور (مواد ۲۴ و ۲۵)، اهانت به دین مبین اسلام، مراجع مسلم تقلید و رهبر جمهوری اسلامی ایران (مواد ۲۶ و ۲۷)، انتشار عکسها و مطالب خلاف عفت عمومی (ماده ۲۸)، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری (ماده ۲۹)، انتشار مطالب افتراآمیز و توهین‌آور علیه اشخاص (ماده ۳۰) و مطالب مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی (ماده

۳۱)، پیش‌بینی شده‌اند.

باید یادآوری کرد که در قانون اخیر، بسیاری از محدودیت‌های مورد پیش‌بینی در قوانین مطبوعاتی کشورهای دیگر و نیز بعضی از محدودیت‌های پیش‌بینی شده در قوانین مطبوعاتی قبلی، مانند مقررات هتک حرمت و توهین نسبت به رئیس دولت، وزرا، نمایندگان مجلس و قضات و نیز رؤسای دولت‌های خارجی و نمایندگان سیاسی آنها، مقررات مربوط به اخلاق حسنه و مقررات راجع به سلامت و آسایش جامعه، مسکوت مانده‌اند.

در آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات (مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۶۵) نیز به موجب مواد ۵، ۷، ۸، ۹، در زمینه‌های محدودیت‌های مربوط به مندرجات

■ در ایران تاکنون مقررات خاصی در مورد نشریات کودکان و نوجوانان تدوین و تصویب نشده‌اند.

نشریات پیش‌بینی‌های مکملی صورت گرفته‌اند.

در پایان این میبحث باید خاطرنشان ساخت که علاوه بر محدودیت‌های مندرج در قوانین اساسی قوانین مطبوعاتی یا قوانین عادی کشورها درباره آزادی مطبوعات، محدودیت‌هایی نیز در برخی از عهدنامه‌های بین‌المللی در این زمینه پیش‌بینی شده‌اند که به سبب تعهد کشورهای امضاکننده به رعایت آنها، مانند قوانین اساسی و قوانین مطبوعاتی یا قوانین عادی داخلی، ضمانت اجرا دارند. در میان این عهدنامه‌ها می‌توان از «عهدنامه بین‌المللی جلوگیری از نشریات مستهجن» که در سال ۱۳۰۹ ه. ش در

ایران به تصویب رسیده است و مخصوصاً «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی ملل متحد) که در ۲۳ آبان ۱۳۵۱ مورد تصویب پارلمان وقت ایران قرار گرفته است، نام برد.

ماده ۱۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» در بندهای ۱ و ۲ بر آزادی عقیده و حق آزادی بیان و آزادی اطلاعات و افکار تأکید کرده است و در بند ۳، محدودیت‌های آزادی‌های اخیر را خاطرنشان ساخته است:

«۱. هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد؛

۲. هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر، به انتخاب خود می‌باشد؛

۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده، مستلزم حقوق و مسؤولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف: احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛

ب: حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.»

سپس در ماده ۲۰ همین میثاق اضافه شده است:

«۱. هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است؛

۲. هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.» □

پی‌نویس‌ها:

1. The Act for the Regulation of Printing.
2. Le Régime Preventif.
3. Le Régime Répressif.

(17). Jacques Bourquin. La Liberté de la Presse. Lausanne: Librairie Payot, 1950, pp. 85-87.

(18). Article 12- "That the Freedom of Press is one of the great bulwarks of liberty, and can never be restrained but by despotic governments".

(19). First Amendment- Congress shall make no law respecting an establishment of religion; or prohibiting the free exercise thereof; or abridging the freedom of speech or the press, or the right of people peaceably to assemble, and to petition the Government for a redress of grievances.

(20). Fernand Terrou. L' Information. Paris: P.U.F, 1962. pp. 24,45.

(21). Article 4- La Liberté consiste à pouvoir faire tout ce qui ne nuit à autrui: ainsi, l'exercice des droits naturels de chaque homme n'a de bornes que celles qui assurent aux autres membres de la société la jouissance de ces mêmes droits. Ces bornes ne peuvent être déterminées que par la loi.

(22). Article 10- Nul ne doit être inquisiteur pour ses opinions, mêmes religieuses, pourvu que leur manifestation ne trouble pas l'ordre public établi par la loi.

(23). Article 11- La libre communication des pensées et des opinions est un des droits les plus précieux de l'homme; tout citoyen peut donc parler, écrire, imprimer librement, sauf à répondre de l'abus de cette liberté dans les cas déterminés par la loi.

(24). Jacques Bourquin, La liberté de la presse. p. 70.

(25). پیش‌بینی اولیه این قانون در مورد رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در حضور هیأت منصفه، در دوره پس از جنگ دوم جهانی، تحت تأثیر اغماض‌های افراطی این هیأت در برابر روزنامه‌نگاران و صدور پستی‌آراء دادگاه‌ها در تیرف آدن، لغو شده است و صلاحیت رسیدگی و دادرسی این جرایم، غیر از موارد خاص مربوط به جنایات که در دیوان عالی جنایی و با حضور هیأت منصفه صورت می‌گیرند، به دادگاه‌های جنحه واگذار گردیده است.

(26). Fernand Terrou. L' Information. pp. 40.41.

۱۳۲۹. ه. ق. «مجموعه مقررات دوره دوم تقنینیه. تهران: مجلس شورای ملی، بی‌تا، صص ۳۱۹-۳۲۱».

(۵). مرتضی سبفی‌نسی‌نفرشی. نظم و نظمه در دوره فاجاریه. تهران: انتشارات بساوی (فرهنگسرا)، ۱۳۶۲، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

(۶). «قانون تشکیل و صلاحیت دادگاه نظامی موقت در زمان حکومت نظامی، مصوب ۱۳ خرداد ماه ۱۳۲۱». مجموعه قوانین سال ۱۳۲۱. تهران: اداره روزنامه رسمی کشور، ۱۳۲۱ شمسی؛ صص ۱۰۴ تا ۱۱۰.

(7). Emmanuel Denieux. Droit de la Communication. P. 97.

(8). Ibid. p.8.

۹. برای آگاهی بیشتر درباره مقررات حقوقی خاص مطبوعات کودکان و نوجوانان در کشور فرانسه و چند کشور دیگر می‌توان به مأخذ زیر که مطالب این مبحث با استفاده از آن تدوین شده‌اند، مراجعه کرد:

– دکتر رؤیا معتمدنژاد: «نظام حقوقی نشریات ویژه کودکان و نوجوانان». سالنامه مطبوعات کودکان و نوجوانان، شماره دوم، سال دوم، ۱۳۷۶.

(10). "The Young Persons Harmful Publications Act. 1956". In k.s.Venkateswaran (Compiled by). Mass Media Laws and Regulations in India Singapore Asian Mass communication Research and Information Centre, 1993. pp. 143, 144.

(۱۱). «اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب، مصوب جلسات ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۴۹، مورخ ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷/۲/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی (دستگاه اجراکننده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی). مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های وابسته. تهران: دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، صص ۶۷ تا ۷۰».

(12). Emmanuel Derieux. Droit de La Communication. pp. 103-112.

(13). Ibid. PP. 113-116.

(14). Ibid. pp. 103-106.

(۱۵). برای آگاهی بیشتر در این زمینه می‌توان به مأخذ زیر مراجعه کرد:

کاظم معتمدنژاد: مبانی حقوق تبلیغات بازرگانی تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۶.

(16). Fox's Act (1792); The Parliamentary Paper Act (1840); Lord Campell's Libel Act (1843); The Newspapers printers and Heading Rooms Repeal Act (1869); The Summary Jurisdiction Act (1879); The Newspaper Libel and Registration Act (1881); Law of Libel Amendment Act (1888); Local Authorities Act (1908); Copyright Act (1911); Atomic Energy Act (1946) etc....

4. Les Exceptions à la Liberté de la Presse.

5. Le Temps de Guerre.

6. The Committee on Public Information.

7. The Espionage Act of 1917.

8. The Sediton Act of 1918.

9. The war Powers Act of 1941.

10. The Office of Censorship.

11. The Code of Wartime Practices.

12. The Office of war Information (O.W.I.)

13. Operation Desert Shield: Ground Rules and Supplementary Guidelines.

14. L' Etat d'Urgence.

15. La Loi du 16 Juillet 1949, sur les Publications destinées à la Jeunesse.

16. Le comité de Direction.

17. Les Publications d'Annonces Judiciaires et Légales.

18. The Tax of Knowledge.

19. The Common Law.

20. The Contempt of Court.

21. The Official Secret Act.

22. Lord Campbell's Libel Act.

23. The Bill of Rights.

24. Illinois.

25. The Trust is always a Defense.

26. Déclaration des Droits de l'homme et du Citoyen.

27. Le Monument de Libéralisme.

منابع:

(1). Claude - Albert Colliard. Liberté Publique. Cinquieme Edition. Paris: Dalloz, 1989, pp. 470,471.

(2). Evertte E. Denis et al. The Media at War: The Press and the Persian Gulf War. New York: Gannett Foundation Media Center, 1991; pp. 8-25,98-101.

(3). Emmanuel Derieux. Droit de la Communication. Paris: L.G.D.J, 1991, pp. 96,97.

(۴). «قانون حکومت نظامی مصوب ۲۲ رجب